

در صفحات دیگر میخوانید :

- حاجیه‌های بازار را گردن کلفت تـسـر میکنند، زحمتکشان را سرکوب میکنند.
- "پذیرایی گرم" توده‌ها از سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی.
- ۳ کمونیست بدست جمهوری اسلامی بخون غلطیدند!

سه شنبه - ۱۴ اسفند ۵۹ - ۳۰ ریال



۲۲

ببرد

ارگان سیاسی تبلیغی گروه کمونیستی نبرد

به دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان شرکت واحد بیا خیزیم!

مردم قهرمان ایران! همه شما میدانید که رانندگان زحمتکش شرکت واحد چند روزی است جهت دریافت ۲ ماه حقوق (سودویزه وعیدی) دست به اعتصاب زدند و دست‌آخـر نیز با قلبی بقیه در صفحه ۱۲

تظاهرات ۲۲ بهمن ۵۹ جلوه‌گاه انحرافات جنبش کمونیستی

منه تبلیغات در مورد بک رویداد به ارزیابی آن بپردازند بنتایج سیا - سی آن میانداشند ، میتوانستند در صبح روز ۲۲ بهمن که قدم در خیابان فخر رازی و خیابانهای اطراف می - نهند ، بوجود چنین رازی بی ببرند از یکسو دسته کوچکی از مردم نا - آگاه زحمتکش باخشم و غضب بر علیه کمونیستها بقیه در صفحه ۲

۲۲ بهمن ۵۹ ، در خیابان فخر - رازی ، یعنی محلی که کمونیستهای واقعی بنابه دعوت های قبلی قرار بود از آنجا بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد قیام تظاهرات خود را آغاز نمایند ، رازی نهفته بود! بطور قطع آن دسته از اعضا و هوا - داران جنبش کمونیستی که مسائل را بادی عمیقتری مورد ارزیابی قرار میدهند و قبل از اینکه ازدا -

جمهوری اسلامی و

کنفرانس "غیرمتعهدها"

در صفحه ۱۴

توطئه‌های رژیم و مقاومت

قهرمانان زحمتکشان

"خاک سفید"

در صفحه ۱۷

بالغوسودویژه،

جمهوری اسلامی دشمنی

آشتی ناپذیر خود را با طبقه

کارگران نشان میدهد! (۱)

امروز در هر گوشه وکناری از جامعه بحران زده مان جایی را نمی - توان یافت که اثری از مبارزه در خود نهان و عیان نداشته باشد . مبارزه برای احقاق حقوق از دست رفته ، مبارزه برای حقوقی که تا دو سال پیش توسط رژیم مزدور امپریالیسم به یغما میرفت و امروز خائنین بقیه در صفحه ۷

مجاهدین سوسیال

امپریالیسم شوروی را

تطهیر می کنند!

مجاهدین میگویند : " حال آنکه ما فکر میکنیم اگر شوروی به کم وکیف این حزب دقیقاً پی ببرد ، از آنجا که جز بدنام کردن او در ایران کاری نکند و بقیه در صفحه ۱۰

در آستانه سال جدید؛

کارگران آماج حملات بیرحمانه

جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه ۲۲

انتقادات و پیشنهادات

در صفحه ۱۵

مبارزات کارگران

در صفحه ۱۳

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله ... بقیه از صفحه ۱

شعار میدادند و آمادگی خود را برای جلوگیری از تظاهرات ما و کتک کاری اعلام مینمودند . از سوی دیگر در فاصله کمی دورتر از میدان رزم "شیفتگان ورهروان راه آزادی طبقه کارگر" (در میدان آزادی) کارگران و بسیاسری از اقشار زحمتکش جامعه با تجمع عظیم خودبزیبیر پرچم مگارتسریین و کلاش تسریین دشمنان طبقاتی خود یعنی مجموعه "لیبرالها" و باند بنی صدر گرد آمده بودند تا اعلام کنند که : برای آزادی طبقه بورژوازی حاضرند بر علیه منادیان آزادی طبقه کارگر مصاف دهند ! از جهت سوم : در حالیکه پاسداران جنایتکار همراه سایر دسته های مسلح ارتجاعی مثل بسیج و ارگانهای کمیته و دسته های مسلح وابسته به خلخالی و ... رژه قدرت بر گذار مینمودند و یا در کمین کمونیستها دقیقه شماری میکردند ، دسته های مامورین امنیتی با همکاری فسال حزب اللهی ها در سرتاسر خیابان رازی و خیابانهای اطراف و محلهای تقاطع به بازرسی بدنی و بازجویی وتوهین به کمونیستها میپرداختند و در صورت مشاهده کوچکترین زمینه مشکوکیتی آنها را با راحتی وبدون حمایت سازمانی دستگیر مینمودند .

راستی چرا حزب ارتجاعی علیرغم اینهمه خیانت های آشکار و نهان خود و این همه عوامفریبی های ملامتده اش در عرض این دو سال هنوز قادر است بخشی از زحمتکشان نا آگاه را بر علیه وفادارترین یاران طبقه خود یعنی کمونیستها بشوراند ؟

راستی چرا جناح وسیع " لیبرالها " علیرغم اینهمه خیانتها و سازشکاریها و توطئه های برملا شده شان بر علیه زحمتکشان هنوز قادرند بخش اعظم زحمتکشان را بدور خود نگهدارند ؟

راستی چرا و تا کی کمونیستها باید اینگونه بی ارزش گرفتار رژیم سفاک ایران گردند و بدون حمایت ها و پشتیبانیهای سازمانی رها گردند و انواع تحقیرها را متحمل شوند ؟ ما میخواهیم جواب خود را به این " چراها " و " رازها " بدهیم .

همانطوریکه روال بحث گویاست قصد نداریم دست روی بی برنامگی و اشکالات تاکتیکی نیروهای برگزیده کننده این تظاهرات بزنیم . چرا که فاجعه بزرگتر از اینهاست . باید دست روی انحرافات کاملاً اساسی جنبش کمونیستی بگذاریم (۱) انحرافات کاملاً اساسی که نیروهای جنبش کمونیستی همه روزه در همه عرصه ها با تبلورات کوچک و بزرگ آن روبرو هستند و در تظاهرات ۲۲ بهمن ماه فقط بفریان ترین و غم انگیز ترین وجهی خود را نمایاند . و این نمایاندن سرانجامش همان بن بست استراتژیکی خواهد بود که جنبش کمونیستی ایران در صورت رها نشدن از این انحرافات بورژوازی در خواهد افتاد . از همان ابتدای مراسم ۲۲ بهمن کمونیستها ، میشد فهمید که ورای اشکالات تاکتیکی اشکالات کاملاً اساسی جنبش کمونیستی خود را می نمایاند . برای درک عینی مسئله ابتدا گزارش کوتاه مراسم ۲۲ بهمن را میآوریم و سپس بتحلیل آن خواهیم نشست .

بنابعد دعوت قبلی کمیته سازمانهای پیکار و رزمندگان

و نیز دعوت مستقلانه گروه ما و پشتیبانهای رفقای کومه لسه - شاخه تهران قرار بود ساعت ۱۰ صبح روز ۲۲ بهمن ماه ، توده های زحمتکش در صف مستقلی مراسم بزرگداشت دومین سالروز قیام راز از خیابان فخر رازی برپای دارند . ساعت ده صبح خیابان فخر رازی انباشته بود از دسته های مسلح ارتجاع حاکم ، پلیس امنیتی و " حزب اللهی " ها که در عین حال از هیچگونه فحش و توهین نسبت به کمونیستها و در مواردی دستگیری آنان که بصورت لشکر شکست خورده در آنجا پرسه میزدند ، کوتاهی نمینمودند . لشکر کمونیستهای واقعی همانطور که تظاهرات ۲۲ بهمن محملی شد که خود را نشان دهد بیشتر از روشنفکران - دانشجویان و دانش آموزان - بود . طبقه کارگر یعنی طبقه ای که ما کمونیستها ادعای رهبری آنها را داریم ، یعنی طبقه ای که ما بدون آمیزش سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با پیشرفته ترین بخش آن ، فاقد هر گونه هویت و موجودیتی خواهیم بود ، دعوت ما را پاسخ ندادند ! آنها با اتفاق سایر اقشار زحمتکش جامعه رفتند تا پیام رهایی خود را از زبان بنی صدر در میدان آزادی بشنوند ! " رفتنی " که کارگران بذاته بدلیل محدودیت فعالیتهاشان در چهار چوب تردیوئیونی ناچار بهزیمت از این جاده بکطرفه هستند . و " رفتنی " که کمونیستهای واقعی (۲) از آنجائیکه هنوز در اساسی ترین معنای فعالیت کمونیستی خود یعنی رهبری مبارزات کارگران در عمل فاقد بار تعیین کننده کمونیستی بودند ، عملاً بکارگران رخصت دادند ! دسته بسیار کوچکی از زحمتکشان نیز در اطراف دانشگاه یعنی در حوالی محل تظاهرات ما بر علیه ما وارد عرصه کارزار گردیده بودند . اینها مختصاتی بود که در همان دقایق اول خود را نشان میداد . لحظاتی بعد کمیته برگذار کننده تظاهرات یعنی سازمانهای پیکار و رزمندگان تصمیم میگیرند که بارتجاع حاکم ضرب شستی نشان دهند . با وجودیکه تا همینجا روشن شده بود که کارگران و سایر اقشار زحمتکش دعوت کمونیستهای واقعی را پاسخ نداده بودند و با وجودیکه بی پایگی کمونیستها در میان صفوف کارگران و سایر زحمتکشان بعین ترین شکلی در بهینه عمل خود را نمایانده بود و لشکر روشنفکری و جدا از کارگرو در عین حال پراکنده کمونیستها در مقابل آمادگیهای قبلی مزدوران و اوباشان رژیم کاملاً ضربه پذیر مینمودند ، ولی آنها (رفقای پیکار و رزمندگان) تصمیم میگیرند در همان حوالی دانشگاه و حدوداً روبروی سینما کاپری تظاهرات را آغاز نمایند . شعار اتحاد ، مبارزه ، پیروزی برای لحظاتی در " میدان انقلاب " طنین میاندازد و " پرچم سرخ رزم کارگران " به اهتزاز در میآید و فقط بعد از یکی دو دقیقه دشمن با یک یورش نا جوانمردانه شعار اتحاد . . . را غف می نمایند و " پرچم سرخ رزم کارگران " چون کارگران را بدامان بورژوازی رها کرده بود و نام و سرخی کارگران را فقط از جهت سمبولیک و بدون کارگران با خود بیدک میکشید پاره پاره شد . متعاقب آن حمله فاشیستی مزدوران رژیم با کاردهای سلاخی در " میدان انقلاب " وبخصوص در کوچه متمم



توانند مدعی پراتیک تعیین کننده کمونیستی باشند (آنها از این جهت سازمانها یا گروههای م - ل هستند که بدلیل تنوع وظائف بیرونی و درونی خود سازماندهی درونی برای پیشبرد آن و... با کارهای محفلی غلط - کشی مینمایند ولی این خط کشی الزاما مضمون سوسیا - لیستی را دربر ندارد) همانگونه که " حزب انقلابی طبقه کارگر فقط زمانی حزب انقلابی طبقه کارگر است که بتواند جنبش طبقه را در عمل رهبری کند " - نقل بمعنی از لنین ، آوانتوریسم انقلابی - مسلما این رهبری در عمل هم بمعنای کار تئوریک و روشن نمودن ابهامات استراتژیک است و هم بمعنای رهبری عملی .

آنگونه که در تظاهرات ۲۲ بهمن و ... دیده شد عدم رهبری لاقبل بخشهایی از جنبش طبقه کارگر در عمل جدایی سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی م - ل ها از طبقه ویا آنگونه که در صفحات قبل گفتیم " در عمل فاقد بار تعیین کننده کمونیستی بودن " بدین معنا -

ست که :

" حزب باید از اهداف آتی (و ما اضافه میکنیم اهداف آتی) خود تصویر روشنی داشته باشد ، بدون پاسخ روشن به این مسئله دیگر هیچگونه ترویج و تهییج ماری از تناقض و ببری از نوسان و محظورات ذهنی امکانپذیر نخواهد بود . "

- مجموعه آثار انگلیسی جلد ۸ صفحه ۲۱۴ - (پیکار تئوریک صفحه ۱۰۳ ، جمله داخل پرانتز هم از پیکار است)

این رهنمود لنین بدینمعناست که ما اکنون نباید اساسی ترین انحراف حاکم بر جنبش کمونیستی را عدم ارتباط فیزیکی با طبقه و در نتیجه حل آنرا تماس فیزیکی با طبقه بدانیم . چنین پیشنهادی نمیتواند به نهایت درجه تحقیر تئوری و نفی عنصر آگاهی و فساد کردن جنبش طبقه کارگر و اکونومیسم خالص نباشد . رهبری مبارزات طبقه در عمل که معیار پراتیک کمونیستی هر حزب گروه و یا سازمان م - ل است عبارتست از : درک از مقتضیات و الزامات عینی و ذهنی حرکت جامعه و چگونگی تاثیر گذاری برای تسریع روند حرکت تکاملی جامعه بر بستر فوق ، درک از بافت اقتصادی - اجتماعی جامعه و ظرفیت و مناسبات بین طبقات و داشتن نقشه برای صنایع و کلاورزی و ... و کشف شمارهای تاکتیکی بر راستای کشف همه ابهامات استراتژیک پرولتاریا و ... در یک کلام کوشش فکری و عملی برای تدوین تئوری انقلاب .

در اینجا باید یاد آوریم که انحرافی در این زمینه مرز بندی نمود . اول اینکه هرگونه کار فکری برای روشن شدن ابهامات استراتژیک و تاکتیکی را مقدمتا و قبل از هر چیز موکول به ارتباط با طبقه مینماید و میگوید اول با طبقه ارتباط بگیریم تا بتوانیم ابهامات را روشن کنیم چون تئوری از دل پراتیک (پراتیکی که در ارتباط فیزیکی با طبقه خلاصه میشود) برمیخیزد . این نظر عمیقاً اکونومیستی و شدیداً عقب مانده است و تا - گفون نیز لطافات زیادی به نیروهای جنبش کمونیستی وارد آورده است . این نظر در سطحی و ناقصی از پرا - تیک و رابطه تئوری و پراتیک دارد . و پراتیک کشف تئوری

کننده " میدان انقلاب " بخیا بان کارگردامه میبایست . لشکر کمونیستها که بدلیل عدم آمیزش وجدایی خود با کارگران پاشنه آشیل خود را در پیشانی نشان نصب - العین نموده بودند بدلیل بی برنامگی کمیته برگزار کننده تظاهرات همچون لشکر شکست خورده ای میمانست که در میدان انقلاب با ضربتی که از طرف ضدانقلاب دریافت مینماید پراکنده تر میگردد . نیروهای جنبش کمونیستی با چنین ضعفهایی برای برپایی تظاهرات دیگر در تقاطع خوش - آزادی اجتماع مینمایند . و از آنجا با جمعیتی حدود ۱۵۰۰ نفر وارد آذربایجان و سلسبیل شده و نرسیده به دامپزشکی در حالیکه پرچم دیگری برافراشته بودند و در طول راه شعارهای انقلابی میدادند ، متفرق میگرددند .

تظاهرات ۲۲ بهمن ۵۹ حقیقتاً جلوه گاه اساسیترین - انحرافات و غم انگیزترین عقب ماندگیهای کمونیستهای واقعی بود .

تظاهرات ۲۲ بهمن نشان داد در عرض دو سال - اخیر ، بخش راستین جنبش کمونیستی ایران علیرغم روند رو به رشد در ارتقاء مبانی سیاسی - ایدئولوژیک و گسترش پایگاه اجتماعی خود در صفوف روشنفکران (اعم از دانشجویان و دانش آموزان) هنوز کماکان بر اساسی ترین انحرافات خود نتوانسته فائق آید .

تظاهرات ۲۲ بهمن (۳) نشان داد نیروهای جنبش کمونیستی علیرغم وجود نسبی شان در میان کارگران - و عمدتاً وجود فیزیکی شان و نه وجود ایدئولوژیکشان - بازندگی و مبارزه کارگران عجیب و فشرده نشده بلکه بصورت دستجات پراکنده ، مناسباتشان با کارگران سطحی (بدلیل عمیق نبودن برون حرکت جامعه و داشتن ابهامات استراتژیک) و مکانیکی است زیرا بدون رابطه سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی در سطح همان دست یافت - های امروزی به تئوری انقلاب است . یعنی در اینجا مشخما ضعف ایدئولوژیک وجود دارد . هنوز که هنوز است تغییر مهم و تعیین کننده ای که مبین تحرک و پویایی جنبش کمونیستی در شکستن پوسته بسیار ضخیم دانشجویی و دانش آموزی خود و گسترش پایگاه اجتماعی پرولتاری باشد ، بچشم نمیخورد . عدم گسترشی که از یک طرف در بی توجهی بمسائل طبقه تا همان درجه آگاهی که امروز میتوانیم ببریم و از طرف دیگر در جدا کردن عناصر پیشرو طبقه و جذب آنان در تشکیلات خود ، تبلور می یابد . در حالیکه ارتباط باید پیش از هر چیز در رهبری مبارزات کارگری در عمل بر اساس همان داده های امروز تئوری انقلاب و کوشش در راه رفع ابهامات تئوریک تبلور - یابد . کمونیستهای واقعی که خود محصول یک روند رشد فکری جوشیده از پراتیک انقلابی - عمدتاً دمکراتیک هستند هنوز بمعنای عملی کلمه مقام و جایگاه کامل خود را احراز نکرده اند . تشکلات بزرگ و کوچک م - ل ها تا زمانیکه نتوانند ابهامات تئوریک را روشن نمایند و یا از همان درجه آگاهی هایی که امروز بدان مسلطند جنبش بخشهایی از طبقه را در عمل رهبری کنند ، نمی -

رژیم صدای آن در همه جا انعکاس پیدا میکرد ، پیرو-
ان مشی چریکی بدلیل درک غیر مارکسیستی که از وظا-
ئف خود داشتند با استنتاجات غیر کمونیستی وذهنی از
" تاثیر " این جنبش برآذهان مردم ونیروی خود می-
رسیدند . آنها صرف اینک صدای این عملیات چریکی
بگوش مردم رسیده باشد - حال خواه با تبلیغات رژیم
خواه با تبلیغات خودشان - باین ارزیابی کلامی
در مورد مردم میرسیدند که :

" این نتایج که جنبش مسلحانه سالهای اخیر
تاثیرات شگرفی در آزادکردن نیروهای انقلابی
جامعه ، در شکوفا کردن استعداد های انقلابی
نهفته در میان طبقات مختلف خلق وجهت دادن آن
ها بسمت مبارزه سیاسی وحقی نظامی علیه دشمن
داشته است وباینکه زمان بسیار کوتاهی از
حیات آن میگذرد تاثیرات بسیار بزرگی درار -
تقاء بینش سیاسی واجتماعی بخشهای بزرگی از
طبقات مردم ما باقی گذارده "

- بیانیه سازمان مجاهدین خلق
(بخش منشعبم - ل) - صفحه ۲۶ -

فکر نکنیم که این انحرافات واین ارزیابی های کاملاً
ذهنی در زمان حال صدق واقعی ندارد وبخلاف نظر
پیکار :

" خط مشی چریکی به ورشکستگی دچار گردیدوبابه
بن بست رسیدن ومبارزه برعلیه آن به موزه تا-
ریخ جنبش کمونیستی ایران سپرده شد "
- پیکار ثنوری شماره ۲ صفحه ۷۵ -

بلکه برعکس ما هم امروز با تبلورات فراوان این
مشی آنارشستی جدا از توده روبرو هستیم ، زیرا که
رهاشی از بن بست مشی چریکی نیز اساساً در پرتومبارزه
ایدئولوژیک ونقد آگاهانه وهمه جانبه آن نبوده است
بلکه بیشتر جبر زمان وبن بست عملی آن بود که مشی
چریکی " بکنار " گذاشته شد وچنین " کنار " گذاشتی
هرگز بمعنای نفی دیالکتیکی وقرار دادن در " موزه
تاریخ جنبش کمونیستی ایران " نخواهد بود . بطوریکه
مجموعه دوسال پراتیک جنبش کمونیستی ایران واز جمله
تظاهرات ۲۳ دیماه و ۱۷ و ۲۲ بهمن ماه نشان دادجنبش
کمونیستی ایران هنوز باید کماکان یکلبه پیکان مبار-
زه ایدئولوژیک خود را برای حرکت به پیش وبرای تر-
سیت کمونیستی پرولتاریا ونه آنگونه که رویزیونیست
ها ورفرمیستها میخواهند وموعظه مینمایند برای حرکت
به سمت قهقرا ، متوجه تبلورات آنارشسیم درجنبش کمو-
نیستی نماید .

اگر در زمان حاکمیت مشی چریکی بدون در نظر
گرفتن سطح مبارزات کارگران با ترور یک مزدور رژیم
وبا انفجار یک موزه فساد وبیاستثمارگرانه صحبت

از: " تاثیرات شگرفی در آزاد کردن نیروهای انقلابی-
بی جامعه ، در شکوفا کردن استعداد های انقلابی
نهفته در میان طبقات مختلف خلق و ... "
مینمودیم . امروز همین شکل مبارزه (بدون در نظر
گرفتن پیام ومحتوای ایدئولوژیک آن) گریبانگیر ماست
اگر در آن زمان عملیات انقلابی جدا از مبارزات توده-

را فقط در چهار چوب بسیار تنگ وبسته پراتیک درایران
وآنهم صرفاً ارتباط فیزیکی وسطی با طبقه کارگرومسا-
ئل جامعه محدود کرده و . ودیگر در نظر نمیگیرد که
عدم آگاهی به ثنوری مارکسیسم - لنینیسم که خودجمع
بست پراتیک بشر میباشد یکی از ضعفهای اساسی ماست
ودیگر در نظر نمیگیرد که بودن در میان طبقه همانقدر
لازم است که کار ثنوریک برای درک مناسبات بین طبقات
درایران وکشف ظرفیتهای بالقوه جامعه وهریک از طبقات
ودرک موقعیت ذهنی طبقه و... که درک مسائل فوق به
طور اجتناب ناپذیری ما را ملزم مینماید که خصوصیت
عصر خودمان را ، عصر امپریالیسم را باتمام ویژگی -
هایش در سالهای اخیر بشناسیم . چرا که امپریالیسم
تا اعماق واحشاء جامعه مارشده دوانده وتمام سرشت و
آثار وعواقب بحرانیهای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی
خود را بکشور مانیز سرازیر مینماید .

درک دوم همانا درک روشنفکرانه ایست که روشن
نمودن ابهامات ثنوریک و " درک از مقتضیات والزامات
عینی وذهنی حرکت جامعه وجگونگی تاثیر گذاری برای
تسریع روند حرکت تکاملی " را جدا از پراتیک انقلابی
در مجموع ، واز جمله جدا از کار در میان طبقه میفهمد
اینجا نیز درک ناقص وسطی از رابطه بین ثنوری و
پراتیک ودرک از کشف ثنوری انقلاب وجود دارد .

بنابراین م - ل ها باید برای رهبری عملی
جنبش خلق واعمال هژمونی پرولتاریا به دوعرصه اسا-
سی کار هست گمارند : الف : انجام وظائف ثنوریک
روی بافت جامعه ، درک موقعیت عینی وذهنی جامعه
وطبقات و ... ویژگیهای دوران اخیر در نفوذ سلطه
امپریالیستها و ب : رفتن به میان طبقه وکار در میان
آنان وبردن همان دست یافتههای فعلی ثنوری انقلابی
بخصوص آنچه که در اینجا مورد تاکید ماست اینست که
جنبش کمونیستی در عرض این دوسال کاملاً به کار نشو -
ریک روی بخش اول بی توجه بوده وباید جبران این
ماقات را بنماید . چرا که تا چراغ راهنما نداشته
باشیم قدم در تاریکیها برمیداریم . اکنون زمانی
است که جنبش کمونیستی باید حتی انرژی خود را در انجام
کارهای دمکراتیک کم کند و برای انجام کارهای ثنوریک
بندالف سرمایه گذاری نماید .

کمونیستها تا زمانیکه نتوانند درک کاملی از روند
حرکت جامعه ودرک ویژگیهای آن وروشن نمودن ابهامات
آن کسب نکنند واز هم اکنون همان داده های مشی خود را
با جنبش طبقه درآمیزند وبدین ترتیب کمک باستفلال
جنبش طبقه از تمامی جنبشهای بورژوازی وخرده بورژوا
زی ننمایند ، عملاً فاقد پراتیک کمونیستی میباشد .

* * *

دردوره حاکمیت مشی چریکی برجانبش کمونیستی
ایران ، همینکه یکی از مزدوران رژیم ترور میشدوبیا
بمبئی در یکی از موسسات سرمایه داری وابسته کیسلی
گذاشته میشد ، یعنی عملیات انقلابی جدا از پراتیک
مبارزاتی طبقه کارگروسایر زحمتکشان وفقط بصرف
اینکه صدای آن در همه جا میپیچید وبصرف اینکه چه با
تبلیغات پیروان مشی چریکی وچه با تبلیغات خود

ها بود تظاهرات ۲۲ بهمن هم همانگونه بود . کمو - نیستها برای خودشان تظاهرات گذاشتند و کارگران هم براهی که در دسترستان بود یعنی براه بورژوازی رفتند، درحالیکه اگر یکی از کارهای ما سازماندهی برای چگونگی شرکت آگاهانه در سخنرانی بنی صدر بخواست اعلامیه و انجام بحث چه قبل و چه بعد از سخنرانی بود ، بطور قطع دستاور فراوانی داشتیم .

اگر در زمان حاکمیت مشی چریکی جدا از سطح مبارزات توده‌ها بطور فردی بچنگ تن بتن با رژیم می رفتیم . اما امروز جدا از مبارزات توده‌ها و لسی نه بصورت فردی بلکه بایک جمع وسیعتری مرکب از نیروهای سازمانی خود بچنگ رژیم میرویم که در هر صورت نتیجه یکی است . زیرا چه در آن شکل وجه درشکسل جدیدش ما با حرکت از بطن مبارزات خود طبقه بسمت جلو حرکت نکرده و خود را در خدمت رهبری مبارزات آنها قرار نمیدهیم بلکه مبارزات جدا از طبقه ماست که در آنجا بصورت فردی و نظامی انعکاس مییافت ولی درشکسل نوینش دو خصیصه بدان پیچیدگی میبخشد ، و اتفاقا بخاطر همین دو خصیصه است که رفقای پیکار میپندارند این تظاهرات آنارشیستی نیست . این دو خصیصه عبارتند از : الف : در زمان حاکمیت مشی چریکی عملیات جدا از توده ما بصورت فردی بود و اکنون بصورت سازمانی است در حالیکه :

" هر قدم جنبش واقعی مهمتر است از یک دوجین " سو - قصدهای انفرادی و آکسیونهای مقاومتی ، مهم - تراست از صدها سازمان و " احزابی که تنها روشنفکران تشکیل شده باشند "

- لندن ، رویدادهای نوومسائل کهنه -

ب : در آنزمان با عملیات نظامی بچنگ رژیم میرفتیم ولی اکنون با عملیات سیاسی .

اگر در آنزمان همانطوریکه در نقل قول دیده می شود ارزش آن عملیات جدا از طبقه را بعرض اعلی می رساندیم امروز هم این عملیات جدا از توده خود را در موفقیتهای بزرگ ، برگذاری مراسم به زیر پرچم سرخ کمونیستها " و از همین نوع عبارات میان تهی مینامیم .

بنظر ما هم رفقای پیکار و هم رفقای رزمندگان و اقلیت با چشم پوشی روی ضعفهای عربان این تظاهراتها هم خود را میفریبند و هم اعضاء و هواداران خود را و هم جنبش را با سرپوش گذاردن بر انحرافاتش بعقب میرانند و در نتیجه به بن بست میکشانند . ما در اینجا قصد نداریم که بنقد نظرات یکایک این رفقا بنشینیم بلکه ترجیح دادیم به ضعفهای اساسی تظاهراتهای تاکتیکی اخیر انگشت بگذاریم چون در اساس مطلب انحرافات این تظاهراتها متوجه همه آنها و از جمله خودماست . منتهی با این تفاوت اساسی که همه این رفقا ضعفها را بعنوان نقاط قوت و

بسیار کمزنگتر از آنچه وجود دارد و بازدارنده هستند و در آینده ما را به بن بست میکشانند نشان میدهند ، ولی ما برعکس همه این رفقا در صدد سرپوش گذاردن بر آنها برنیامده بلکه میکوشیم حتی المقدور ریشه ها و اثرات مخرب این انحرافات را تجزیه و تحلیل کنیم . اما علیرغم اینکه قصد نداریم بسا هیچیک از رفقا به پلیمیک بپردازیم کاملاً بجا میدانیم که در همینجا یک نکته را برای رفقای پیکار روشن کنیم . این رفقا بعد از ارزیابی کاملاً مثبتی که در شماره ۹۴ ارگان خود از تظاهرات ۲۲ بهمن بعمل آوردند (این ارزیابی مثبت در محتوای مقاله خوابیده است) در خاتمه یادآور شدند :

" این راهبیمائی ... نکات مثبت و منفی متعددی در برداشت که باید با دید انتقادی و در جهت استفاده از تجارب آن برای بالا بردن کیفیت مبارزاتی ما بر خورد کرد . امری که در فرصت مناسب آن خواهیم پرداخت "

بنظر ما این شیوه برخورد با مسائل دقیقاً سرپوش گذاردن آگاهانه بر انتقادات است و برای همین گفته میشود خود فریبی است . اگر نکات منفی هم داشت پس چرا تحلیل نمیکنید و تحلیل آنرا تعلق بمحال مینمائید ؟ اگر نکات مثبت و منفی داشت پس چرا در همین شماره پیکار فقط نکات " مثبت " را میکوشید و از تحلیل نکات منفی سرباز میزنید . بنظر ما این تظاهرات نکات مثبت نداشت بلکه برعکس جلوه گاه انحرافات و تجلی ضعفهای جنبش کمونیستی بود و نوشته تهییجی شما هیچ دردی را برای نسل آگاه و جورما حل نخواهد کرد . شما در نشریه تئوریک شماره ۲ خود بحریان " آشتی طلبی " درون سازمان که سد راه مبارزه ایدئولوژیک میشد انتقاد کردید . ما نمیخواهیم بگوئیم که این انتقادات قلبی است چون هنوز با اندازه کافی برایمان روشن نیست ولی میخواهیم بگوئیم اتفاقاً این نوشته شما در پیکار شماره ۹۴ روح کامل همان آشتی طلبی برای سد کردن مبارزه ایدئولوژیک بیرونی و درونی است . این مقاله روح همان جریان بقول خودتان " اپورتونیستی " آشتی طلبی است که فردا اگر ارزیابی دیگری غیر از ارزیابی شما از تظاهرات ۲۲ بهمن ماه را شده دادند بگوئید : ما که از اول هم گفته بودیم این تظاهرات " نکات منفی متعددی در برداشت " !

و بالاخره اگر در گذشته بصرف همین عملیات چریکی سرودا دار و انعکاس در اذهان مردم وهمینقدر که مردم بدانند یک سازمان انقلابی ضربتی بر رژیم وارد آورده و اسم سازمانی انقلابی بمیان مردم برود باین نتیجه میرسیدیم که :

" ... در شرایطی که ما رکمست - لنینیمتها هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی نیروی مهم و تعیین کننده ای را در جنبش انقلابی تشکیل

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم !



- بیانیه سازمان مجاهدین خلق
(بخش منضمبم - ل) - صفحه ۴۶ -
امروز هم علیرغم اینکه گفته میشود مشی دیروز بسـه موزه تاریخ سپرده شده است اولاً کیفیت کارمندان مثل دوران حاکمیت مشی چریکی نه در برنامه ریزی برای روشن کردن ابهامات تشویریک جنبش و صرفاً انرژی در این عرصه بسیار حیاتی که بدست فراموشی سپرده شده ، نه در " وظیفه کمک بتوده های بپاخاسته ، برای اینکه آنها جسورتر و مصمتر برخیزند ، از وظیفه تحویل دادن نه دو ، بلکه دهها سخنور و رهبران از وظیفه بوجود آوردن یک سازمان واقعا مبارز که قادر به هدایت توده ها باشد و نه باصطلاح " سازمان مبارزی " که فقط تک روان نایاب را هدایت میکنند (اگر بکنند) - رویدادهای نو و مسائل کهنه - بلکه بدین وسیله محک میخورد که چقدر اسم سازمان ما بمیان مردم برود چقدر اسم سازمان ما جای سازمان رویزیونیستهای فدائی را بگیرد ، چقدر " پرچم سرخ رزم کارگران " و یا پلاکاردهای گروهی - کاری که ما انجام دادیم - در خدمت منافع سازمانی و با گروهی ما باشد . و بدین ترتیب هدف منافع سازمانی یا گروهی ، پرچم در خدمت تشکیلات و نه تشکیلات در خدمت پرچم و هدف .

ثانیا رشد کمی ما هم نه در مادیت بخشیدن به مشی و برنامه خود در میان کارگران و سایر زحمتکشان بلکه درست مثل حاکمیت مشی چریکی جنبش دانشجویان ، دانش آموزان و روشنفکران و حتی عناصر بسیار محدود پیشروان طبقه بدرون سازمان خود است . نکته دیگری که باید در رابطه با همین تظاهراتها مورد توجه قرار گیرد . رها شدن اعضا و هواداران جنبش کمونیستی به صحنه نبرد و عدم احساس مسئولیت نسبت بوجود آنان که همه چیز جنبش وابسته بدانان است ، همچنین قبول تحقیر بدون دلیل نسبت بآنها درست است که جنبش کمونیستی ما از نظر سنگت فداکاری و بی باکی و قهرمانی که اولین شرط هر حرکتی بجلوست سنگ تمام گذاشته بود و گذاشته است ، ولی رها کردن اعضا و هواداران خود در اینگونه تظاهرات باعث تنزل روحیه مبارزاتی ، دلسردی و انفعال آنان خواهد گردید . بالاخره هر نیروی کمونیستی که قدم در میدان اینگونه تظاهرات مینهد ، با توجه بحقیقتی که برای خود قائل و با توجه به سرکوب دائمی ارتجاع و توهینها و تحقیرهای دسته های اوباش و ناتوانی اش در پاسخگویی بدان تاثیرات منفی در روحیه اش خواهد گذاشت . ما نباید وقتی نیروی مقابله با اندازه کافی نداریم و سرانجام شکست تاکتیک تظاهرات علنی مان روشن است ، دست بدهیم تاکتیک تظاهرات علنی بزنیم ، چاره کار بطور اساسی در اجتناب از اتخاذ اینگونه تاکتیکهای آنارشیستی و در خدمت طبقه و توده ها قرار گرفتن میباشد زیرا " فقط انواع نوین جنبش و یا بیداری بخشهای نوین توده ها مبارزه ای مستقل است که واقعا

روحیه مبارزه و مقاومت را در همگی برمیآنگیزد" (لنین آوانتوریسم انقلابی)
بیل در ارزیابی از بحران " سلطنتی " دهه ۱۸۶۰ در پروس گفت :
" ... هر کسی برای تغییر و دگرگونی غوغا براه انداخته بود ، ولی از آنجائی که هیچ رهبری کاملاً آگاهی بادیید روشن و واضح نسبت به هدف و نیز برخوردار از اعتماد کارگران وجود نداشت و چون هیچ تشکیلات مستحکمی که بتواند نیروها را بدور هم جمع کند وجود نداشت این رفتار و خواستهایشان کم کم رو به نقصان میگذاشت هرگز چنین جنبشی با آنهمه شکوه ذاتی نبوده که در آخر اینقدر به چیز پوچ و هرزی تبدیل شده باشد " (لنین فرمیسیم در جنبش سوسیال دمکراسی روسیه)

آنچه بیل در مورد بحران سال ۱۸۶۰ پروس گفت یکبار در ایران بوقوع پیوست . جنبش توده های زحمتکش ما " با آنهمه شکوه ذاتی " با آن غلبان عظیم آتشفشان توده ای کم نظیر بدلیل نبودن " هیچ رهبری کاملاً آگاهی با دید روشن و واضح نسبت به هدف و ... " چنان به چیز پوچ و هرزی تبدیل شد که مظهر مضحکه تاریخ بشر در دوران اخیر شد . و اکنون اگر نمىخواهیم یکبار دیگر و برای چندمین بار انقلاب ایران را به مضحکه تاریخ تبدیل کنیم . اگر نمىخواهیم اینهمه شورو شوق و جانبازی و جسارت نیروهای کمونیستی فروکش نکنند ، (چیزی که در صورت عدم غلبه به انحرافاتمان شاهد آن خواهیم بود) باید یک قدم از بوجود آمدن رهبری آگاه کمونیستی عفلت نکنیم . نیروی ویژه ای را صرف کارهای تشویریک برای درک مارکسیسم و بخصوص شناختن از تحولات جهان سرمایه داری در سالهای اخیر و به تبع آن تحلیل مشخص از سیستم سرمایه داری وابسته و ابهامات استراتژیک بکاریم باید عملاً نشان دهیم که بوظائف کمونیستی خود در آمیزش سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با طبقه و رهبری و پرورش آن شایسته ایم . باید ضعفها و انحرافات خود را ببینیم و پای تحلیل و اصلاح آنان بنشینیم و نه اینکه به توجیه انحرافات بپردازیم . مارکس در جائی گفته رهبر کسی نیست که اشتباه نکند ولی رهبر کسی است که باید بتواند قبل از آنکه اشتباهاتش بفاجعه تبدیل شود جلوی آنها بگیرد . ما امیدواریم رفقای پیکار ، رزمندگان ، اقلیت این رهنمود مارکس را آویزه گوش خود کرده و قبل از فاجعه ای دیگر بدرمان جدی آن بپردازند . باید در نظر داشت که روحیه مبارزاتی و شور توده ای فقط با " بیداری بخشهای نوین توده ها بمبارزه ای مستقل " که خوشبختانه هر چه خواهیم در ایران امروزمان مشاهده میکنیم ، بوجود میآید بنابراین برای اینکه نیروهای جنبش کمونیستی را بسر خوردگی نکشانیم به تجدید نظر در سیاستهای خود بپردازیم . باید جسارت داشت و بی محابا به ضعفهای خود برخورد کنیم ، و نه آنگونه که از یکطرف بگوئیم



با لغو... بقیه از صفحه ۱

به قیام یعنی حکام جمهوری اسلامی وحشیانه تر از قبل آنها پایمال میسازند. در ۲ سال گذشته رژیم کنونی به انحاء و اشکال مختلف دشمنی آشکار خود را با کارگران و زحمتکشان با سرکوب و کشتار تظاهراتهای بیکارگان، اعتصابات کارگری، مبارزات خلقها و... بوضوح نشان داده است. اما این دشمنی تنها به همین جا خاتمه نمی یابد و جمهوری اسلامی با تصویب قوانین ضد خلقی خود به تمامی این خیانتها و جنایتها جنبه قانونی نیز میدهد. تصویب قوانینی از قبیل "ولایت فقیه"، ممنوعیت انتشار نشریات انقلابی و کمونیستی غیرقانونی بودن اعتصاب و تظاهرات و... همگی نمونه هایی هستند از دستاویزهای "قانونی" رژیم برای سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم. جالب اینجاست که جمهوری اسلامی وقاحت و بیشرمی را تا بدانجا میرساند که تمامی این اعمال را تحت لوای مبارزه "ضد امپریالیستی"، مبارزه با "ضد انقلاب"، و عوامل "طاغوت"، انجام میدهد و با درعین مدافعات و حمایتهای آشکار و عیان از سرمایه داران و ملاکین، این اعمال خود را در جهت منافع "مستضعفین" میخواند!!

لغو قانون ضد کارگری "سود ویژه" نیز از جمله تمامی مواردی است که تاکنون بر شمرده ایم. لغو یک قانون ضد کارگری، تحت لوای دفاع از کارگران ولی در واقع بمراتب ضد کارگری تر، اینست کاری که جمهوری اسلامی انجام داده است. اما برای آنکه بفهمیم حقیقت قضیه چیست و اینکه آیا لغو این قانون در جهت تامین منافع کارگران انجام گرفته است یا خیر، اول باید ببینیم که اصولا چرا قانون سود ویژه قانونی ضد کارگری و آریا مهری بوده است و رژیم پهلوی از تصویب این قانون چه اهدافی را دنبال مینمود و بعد از این روشن میسازیم که با این تفاهل لغو این قانون از جانب رژیم کنونی "گامی بجلو" برای تامین منافع طبقه کارگر بوده است و یا حتی روی "طاغوت" را هم سفید کرده و "امتیازاتی" که تحت فشار مبارزات کارگران، رژیم سابق از دست داده بود دوباره باز پس میگیرد.

چرا "قانون سود ویژه" قانونی ضد کارگری و جزئی از سیاستهای استثمارگرانه سرمایه داران است؟ این قانون که اساسا از زمان "ضد انقلاب سفید" در سال ۱۳۴۱ تحت لوای "سهیم کردن کارگران در سود کارخانه نجات" بتصویب رسید تا مبنی دود فاضلی را در دستور خود قرارداد. الف: اهداف اقتصادی، یعنی تولید هر چه بیشتر سود. ب: اهداف سیاسی، یعنی دستاویزی برای تخدیر و سرکوب مبارزات کارگری. حال به بررسی جداگانه هر یک از این دو هدف که بلا تردید میتوان آنها را دوروی یک سکه نامید میپردازیم:

الف: اهداف اقتصادی:

رژیم پهلوی مدافع سرمایه داران برای آنکه هر چه بیشتر بر استثمار کارگران بیفزاید در کنار سایر نگرانیها داشتن سطح دستمزدها و دهها سیاست دیگر، برای

"باید از درکهای آنارشیستی که اعتلاء انقلابی را بحساب موقعیت انقلابی گذارده، و در نتیجه به تعرضهای جدا از توده و فراتر از توده منجر میگردد کاملا احتراز چیست" بیکار تئوریک ۲ صفحه ۲۳ تاکید از ماست)

و از طرف دیگر با چنان برجستگی ای در مقابل چشمان خود ناظر و شاهد مستقیم "تعرضهای جدا از توده" و "آنارشیستی" بود که فغان از دل از کمونیستها برآورد و از طرف دیگر در صدد سرپوش گذاردن آگاهانه به همان "تعرضهای جدا از توده" و "آنارشیستی" تحت عنوان اقدام "مثبت" و تظاهرات زیر پرچم سرخ رژیم کارگران و... برآمد. چرا که ما کمونیستها باید مفهوم "جدا از توده" را در حلقه اول جدا از طبقه کارگر بفهمیم. حال خود رفقای بیکار پاسخ دهند که در تظاهرات ۲۳ دیماه - ۱۷ و ۲۲ بهمن ماه عمدتا کارگران دعوت ما را پاسخ گفتند یا روشن فکران و چ... را؟

(۱) جنبش کمونیستی بدون استثنا، اعم از سازمانهای بیکار و رزمندگان که برگزار کننده آن بودند و یا گروه ما که خود دعوت کننده این مراسم بود و یا گروهی که "پشتیبانی" خود را از این تظاهرات بعمل آورد و یا دیگران که بی تفاوت بودند. در عین حال نباید از نظر دور داشت که بعضی از انتقادات مختص کمیته برگزار کننده یعنی سازمانهای بیکار و رزمندگان است.

(۲) هر جا صحبت از کمونیستهای راستین یا واقعی میکنیم منظورمان کمونیستهایی هستند که اهدافاید-شولوزیکشان ساقط نمودن تمامی دشمنان داخلی و خارجی کارگران و زحمتکشان میباشد. یعنی ساقط کردن تمامی جناحهای هیئت حاکمه ضد خلقی ایران و تمامی امپریالیستهای انگلیسی و فرانسوی و... امروز اساس و ستون فقرات جنبش کمونیستی ایران بوسیله همین نیروها تشکیل می شود و نیروهایی مثل اقلیت در واقع نیروی کمونیستی هستند که بین بخش راستین جنبش کمونیستی و قطب رویز-یونیسف مدرن قرار دارند.

(۳) انحرافات را که در اینجا برای تظاهرات کمونیستها در روز ۲۲ بهمن میسازیم کاملا قابل تعمیم میباشد. تظاهرات ۲۳ دیماه و ۱۷ بهمن چریکهای فدایی اقلیت میباشد. در واقع انحرافات که در اینجا روی آن انگشت گذاشته میشود، انحرافات حاکم بر جنبش کمونیستی است که در تظاهرات ۲۳ دیماه، ۱۷ و ۲۲ - بهمن ماه خود را بروز داد. و ما برعکس رفقای بیکار، رزمندگان و اقلیت که هر یک بجز جاشی در صدد تطهیر انحرافات جنبش کمونیستی و عدم درک انحرافات فاجعه انگیز جنبش هستند، معتقدیم که این تظاهرات تنها نشان از "موفقیتهای بزرگ" ندارد بلکه بیشتر و بیشتر ضعفهای عمیق ما را نشان میدهند.



آنکه کارگران را به تولید هر چه بیشتر ترغیب کند و بدین ترتیب سودسراش واحدهای صنعتی و تولیدی را دو چندان سازد ، بشکلی حیل گرانه اینگونه وانمود ساخت که تولید بیشتر گامیست برای تامین منافع کارگر. ان بدست خود آنان ! به این صورت که با سهم شدن کارگران در سود کارخانجات ، کارگران مجبور باشند در طول سال نهایت سعی خود را بکارگیرند تا در آخر سال سود کارخانجات را بحدی برسانند که " سود ویژه " بیشتری نمایدشان شود . بدین ترتیب " سود ویژه " خود ستاویزی بود که حقوق کارگران تا حد ممکن در سطوح پایینتری ثابت بماند و با اصطلاح این کمبود حقوق را " سود ویژه " پرداختی به کارگران جبران کند ! اما روشن است که این " سود ویژه " ای که در آخر هر سال به کارگران پرداخت میشود ، نه تنها جزء ناچیزی از حقوق واقعی کارگران بود که در طول سال از آنان کسر شده و پیر - داخت نمیشد ، بلکه با این حیل همانطور که گفتیم با افزایش سطح تولید ، که در نظام سرمایه داری مترادف افزایش سود سرمایه داران است ، این سود را تا سرحدی افزایش میدادند که با کسر " سود ویژه " ای که به کارگران " صدقه " میدادند در واقع هیچ چیز نیز از اصل سود تولیدی کارخانه از دست سرمایه داران خارج نشود . از طرف دیگر سرشکن کردن حقوق کارگران به صورت یک حقوق ماهیانه (یا روزانه) و یک پاداش و عیدی و سود ویژه باعث میشد که دست سرمایه داران در خوردن همان حقوق ناچیزی که با اصطلاح قوانین ضدکارگری کاربرد جامعه تصویب کرده بود بازتر شود . بدین

صورت که هر گاه اراده کند بتواند با بیهانه های مختلف از قبیل کمبود تولید یا نبود مواد خام و ... از پاداش کارگران کم کند بدون آنکه در ظاهر به حقوق پایه ای آنها ذره ای لطمه خورده باشد (به همین خاطر سرمایه داران هیچگاه حق سختی کار و حق تخصصی و نظائر اینها را در حقوق پایه ای کارگران داخل نمی - کردند و بصورت پاداشهای جداگانه به آنها پرداخت می نمودند) در کنار این مسئله ، مسائل فرعی دیگری از قبیل رفع موانع مالیاتی ، بیمه های اجتماعی و غیره نیز وجود داشتند که با این کار یعنی جدا کردن حقوق پایه ای کارگران از مزایا و پاداش در پرداخت مالیات و بیمه نیز سرمایه داران ضرر کمتری را متحمل میشدند .

ب : اهداف سیاسی :

قدر مسلم اینست که سرمایه داران تا آنجایی که میتوانند سعی دارند که حقوق کارگران را در سطوح پایینتری قرار دهند ، اما بارها اتفاق می افتد که با جنبش های وسیع کارگری بصورت اعتما بها و تظاهراتها مواجه میگرددند و در این بین مجبورند که به از دست دادن امتیازاتی از قبیل بالا بردن سطح دستمزدها و پاداشها تن دهند . سرمایه داران با تصویب قانون سود ویژه در واقع قصد داشتند که به کارگران اینطور وانمود سازند که همواره بظرف منافع آنان نیز هستند آنها میخواستند اینطور وانمود سازند که سرمایه داران آنقدر انسانهای " خیر " و " نیکوکاری " هستند که هر ساله قسمتی از سودی که

متعلق به خودشان است !! را به کارگران " صدقه " می دهند این از نظر سرمایه داران بهترین وسیله ای بود که با آن میتوانستند در میان کارگران " محبوبیت " و پا - یگاهی بدست آورند ! از طرف دیگر قانون سود ویژه که با پائین نگاه داشتن سطح دستمزدها توأم بود باعث میشد که در صورت اعتراضات و اعتصابات کارگری ، اضافه شدن دستمزدها ضربه زیادی به تولید ارزش اضافی و سود وارد نسازد ، بدین ترتیب که با اضافه شدن دستمزدها فوراً به کسر پاداش و سود ویژه و غیره میپرداختند و در واقع سود خود را از یک جیب در آورده و به جیب دیگر میگذاشتند .

اما مسئله مهمتر در این قسمت این بود که افزایش تولید که مترادف افزایش عواید آخر سال کارگران بود ، خود به سد مهمی تبدیل میشد که کارگران ناآگاه را از " اغلال در تولید " - بصورت اعتصاب یا غیره - بازدارد و میان کارگران پیشرو و کارگران ناآگاه دودستگی و فاصله ایجاد شود . از سوی دیگر سرمایه داران با این " الطاف " خود باعث میشدند که کارگران نا آگاه بجای مبارزه در راه احقاق حقوق حقه خود از لحاظ ذهنی و روحی همواره به " صدقه ها " و " الطاف " " پدران " سرمایه دار خود چشم بدوزند . پس قانون سود ویژه در کنار تامین منافع اقتصادی برای سرمایه داران ، عاملی بود برای ایجاد تفرقه وجدایی در میان صفوف طبقه کارگر و عقب نگاه داشتن آگاهیهای سیاسی کارگران .



" انقلاب " شد و رژیم جمهوری اسلامی قدرت سیاسی را در دست گرفت . کارگران ایران که در کنار سایر زحمتکشان در جمهوری اسلامی بهشت روی زمین خود را ترسیم میکردند ، کم کم با عملکردهای ضد خلقی این رژیم در می یافتند که جمهوری اسلامی نتنها " بهشت " آنان نیست ، بلکه جهنمی است سوزان و سیاه تر از رژیم پهلوی . باز هم کسانی که قدرت را در چنگال خود نصب کردند بهشتی ساختند از برای ظالمین و استثمارگران و جهنمی برای کارگران و زحمتکشان .

" قانون سود ویژه " نیز همچون دهها و صدها قانون ضد کارگری ضد خلقی دیگر نتنها به نفع کارگران ان تغییر نیافت - و بخاطر ماهیت طبقاتی جمهوری اسلامی نمیتوانست بیابد! - بلکه با لغو این قانون و از طرف دیگر ثابت نگاه داشتن مزد کارگران ، لغو سود ویژه را به قانونی ضدکارگری به قوه ۲ تبدیل ساخت ! رژیم جمهوری اسلامی که خلق کرد را سرکوب و کشتار میکند برای " منفعت " خلق کرد !! دهقانان خورستان و شرکمن صحرا و کاخک و ... را کشتار میکند برای " منفعت " دهقانان !! کارگران بیکار و شاغل را به گلوله مینهد برای " منفعت " کارگران !! اینبار نیز قانون " سود ویژه " را لغو کرد بر " علیه " سرمایه دار و منفعت کارگران !! خوب این هم ادعایی است و بقول آقای وزیر کار : " با لغو سود ویژه برخلاف تصور کارگران منفعت سرمایه داران عمل نشده است . " !!



مابه داران باز هم فرصت بیشتری برای به بنام بردن حقوق کارگران فراهم نموده اند .

اما اگر باز هم جای شک و شبهه ای باقی مانده است که آیا این قانون جدید که در ازای قانون سود ویژه بتصویب رسیده است بشفع کارگران است یا سرما - به داران ، یکبار دیگر از سخنگویان رژیم " یاری " میطلبیم تا اهداف قانون جدید را برایمان روشنتر سازند . یک مقام " بلند پایه " (! !) وزارت کار در توضیح اهداف این لایحه میگوید :

" این مصوبه بخاطر نجات کارخانجات و کارگاه - های کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است . اگر اینکار نمیشد سود ویژه پرداختی به کارگر - ان تخفیف پیدا نمیکرد و بیم آن میرفت که کار - فرمایان نتوانند از عهده پرداخت وجوه - ات لازم خود برآیند . " ! !

(جمهوری اسلامی ۲۰ مرداد ۵۹)

از این مقام " بلند پایه " وزارت کار باید کمال تشکر را داشت که حداقل کارگران زحمتکش ما را از توهم بیهوده خود بیرون آوردند !! چرا که ایشان صریحا اعلام داشته - اند که : ۱ - قانون جدید برای تخفیف

دادن سود ویژه پرداختی به کارگران ، یعنی عدم پرداخت حقوق کارگران و آنهم بخش ناچیزی از آن که بصورت سود ویژه بدست آنان باز میگشت ، تنظیم شده است . ۲ - هدف از این مصوبه " نجات " کارخانجات از خطر رکود بیشتر است (که در حقیقت رکود در سوددهی به سرمایه داران منظور است) چرا که " بیم آن میرفت که کارفرمایان نتوانند از عهده پرداخت وجوه لازم (که همان دسترنج کارگران است) خود برآیند " میبینید چه دایه های مهربانتر از مادری یافت میشوند ! جمهوری اسلامی بیم آن را بدل راه نمیدهد که کارفرمایان از عهده

پرداخت " وجوه لازم " برنمایند ، اما در این حال برایشان مسئله ای نیست که در صورت عدم پرداخت این وجوه چه برسر کارگران میآید ؟ حال با این اوصاف چگونه این مقام " بلند پایه " (که حتی از ذکر نام خود نیز شرم داشته است) خود را نماینده وزارت کار نیز میدانند جای بسی شگفتی و اعجاب است !!

اما مقامات رسمی جمهوری اسلامی باز هم برای پوشاندن ماهیت واقعی طرح خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند . وزارت کار و شورای انقلاب تصویب این قانون را در ۴ بند اینگونه تفسیر میکنند :

۱ - قانون قبلی طاغوتی بود .

۲ - لایحه شورای انقلاب لایحه ای است در جهت تامین منافع کارگران .

۳ - اقتصاد ما دچار کسری بودجه و محاصره اقتصادی است .

بله هر کس در ادعا کردن آزاد است ، اما " مشک آنست که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید " ! ببینیم علی - رغم ادعای دروغین هیات حاکمه ، با لفو " سود ویژه " چگونه بر " علیه " سرمایه داران و به " نفع " کارگران عمل شده است ؟

لایحه لفو سود ویژه که اولین بار در ۲ مرداد ۵۹ توسط شورای انقلاب اعلام شد چنین میگوید :

" ۱ - از تاریخ ۵۹/۹/۱ قانون سهم کردن کار - گران در منافع کارگاه های صنعتی و تولیدی (مصو - به ۱۳۲۱) و کلیه ملحقات و منضمات آن و جداول و پیمانهای دسته جمعی و توصیه نامه های ناشی از قان - نون مزبور لفو و بلا اثر اعلام میگردد " خوب تاکنون روشن نیست که لفو این قانون از چه مو - ضعی صورت گرفته است ، آیا این قانون برای منافع کارگران لفو شده است یا برای منافع سرمایه داران ؟ باز هم بهتر است قبل از آنکه قضاوت کنیم ببینیم که " شورای ضد انقلاب " با لفو این قانون چه چیزی را جای گزین آن ساخته است ؟

" ۲ - کارفرمایان کارگاه های مشمول قانون ملغی شده مذکور مکلفند برای جبران عواید کارکنان خود کلا از بابت حق السهم ناشی از اجرای قان - نون مذکور و نیز عیدی و پاداش سالانه معادل ۶۰ روز آخرین دستمزد برای ۱۲ ماه کار در سال بهر یک از کارکنان خود پرداخت نمایند . "

گذشته از آنکه این قانون جدید همچون تمامی قوانین بورژوازی اسلوب دوپهلوگویی و مبهم گویی را پیش گرفته است ، اما از پس این غبار ابهام بخوبی اهداف واقعی این قانون روشن است . اولاً : عایدی کارکنان کارخانجات با قانون " طاغوتی " سود ویژه با عیدی و پاداش به مبلغی معادل ۴ ماه حقوق بالغ میگشت که " شورای انقلاب " برای جبران این عایدی به ۶۰ روز حقوق قناعت کرده است ! ثانیاً : با ذکر جمله " برای ۱۲ ماه کار در سال " راه هرگونه تعبیری را برای سرمایه داران باز میگذارد . هر سرمایه داری میتواند بجای ۶۰ روز حقوق به ۴۵ یا حتی ۳۰ روز " عیدی " و " پاداش " قناعت کند ، آنهم با بهانه های نظیر تعطیلی روزهای جمعه ! مرخصی سالانه ! مرخصی استعلاجی و ... که همگی دستاویزی برای کارفرمایان میباشد تا به کارگران بگویند : " ۶۰ روز " پاداش " برای ۱۲ ماه کار در سال است اما شما با مرخصی و ... در مجموع ۱۱ ماه یا کمتر کار کرده اید و ۶۰ روز بشمارا تعلق نمیگیرد " !! این راه تجدید نظری است که " شو - رای انقلاب " برای سرمایه داران بازگذاشته است . پس روشن است که علیرغم این کسر عواید کارگران توسط شورای " انقلاب " این حامیان سرمایه داران به اینجا نیز قناعت نکرده اند و با مبهم گوییهای خود برای سر -

جنگ قحطی، گرانی، ارمغان جمهوری اسلامی

بمنفع سرمایه دار، علیه زحمتکشان



۴ - لایحه فوق برای حمایت از صاحبان صنایع و افزایش بهره‌وری تولید به تصویب رسیده است. در مورد بند ۱ که طبعاً بحثی نمیتواند درگیر باشد و این مسئله را ما در آغاز مقاله مختصراً مورد ارزیابی قرار دادیم. اما نکته قابل تعمق اینست که جمهوری اسلامی چه چیزی را جایگزین این قانون "طاغوتی" نموده است؟! که اینرا نیز در قبل توضیح دادیم و دیدیم که قانون جدید حتی یک قدم نیز از قانون قبلی به عقب برداشته است.

بند ۲ نیز تکرار مکررات عوامفریبانه جمهوری اسلامی است. اما وقتی بند ۲ در کنار بند ۴ قرار میدهم کمدی جمهوری اسلامی حاصل میگردد! این لایحه هم "در جهت تامین منافع کارگران" است و هم برای "حمایت از صاحبان صنایع"!! چگونه میتوان قانونی ابداع کرد که هم منفعت غارتگر را حفظ کند و هم منافع غارت شده را تامین نماید؟ چگونه میتوان قانونی را تصور کرد که هم برای حمایت از استثمارگر باشد و هم استثمار شونده؟ لایحه شورای "انقلاب" بزبان خودش اینچنین قانونی است! اما اینگونه قوانین ما را بیاد آب خوردن گرگ و میش از یک جویبار می اندازد! در این داستان نیز بظاهر جویباری (که همان لایحه‌هایی همچون این لایحه باشد) وجود دارد که هم گرگ از آن آب مینوشد و هم میش. و همانطور که در آن داستان نیز این آب خوردنها نقشه گرگ برای بلعیدن میش بود. در اینجا نیز این لایحه و تمامی لواجیحی از این قبیل هیچ چیز نیستند مگر حیلۀ سرمایه‌داران برای گمراه ساختن کارگران و استثمار هرچه بیشتر آنان.

پس علی‌رغم اینکه شورای انقلاب و وزارت کار فرما معتقدند که لایحه "انقلابی" شان هم بمنفع سرمایه‌داران است و هم بمنفع کارگران، اما بعضی‌کنار رفتن پرده‌های عوامفریبی هایشان روشن میشود که چگونه این قانون بمنفع سرمایه‌داران است. و اما بند ۳ باز هم بیان یک واقعیت است که کمونیستها ماهیست به تبلیغ آن مشغولند و آن اینکه: این کارگران و زحمت‌کشان میهن ما هستند که باید بار سنگین بحران را بر دوش بکشند. بند ۳ میگوید که حذف سود ویژه بخاطر آنست که اقتصاد ما دچار رکود بوده و چون ما محاصره اقتصادی هستیم باید از عواید کارگران کسر کنیم تا سرمایه‌داران در آسایش و راحتی بیشتری بسر ببرند دولت جمهوری اسلامی که خائنانۀ خود را دولت "مستضعفین" میخواند، کسری بودجه خود را از دسترنج و خون کارگر - ان تامین میسازد و "محاصره اقتصادی" (که البته بهانه‌ای بیش نبوده است) را با غارت حقوق کارگران درهم میکشد. روشن است که این منطق هر رژیم سرمایه‌داری است که بار سنگین بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد و بدین طریق اجازه ندهد که سرمایه‌داران غریبشان چه در بازار و چه در کارخانجات ذره‌ای متحمل ضرر و زیانی شوند.

تمامی کمونیستهای راستین بارها و بارها گفتند که جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی هدفی جز ترمیم

و بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته ندارد و راهی را که برای اینکار برگزیده است. انتقال بحران برگزیده زحمتکشان میباشد. این ادعای کمونیستها بخوبی در تمامی بندهای لایحه جدید سود ویژه بچشم میخورد. از هدف "افزایش بهره‌وری تولید" گرفته تا جبران کسری بودجه بوسیله لغو سود ویژه. از "نجات کارخانجات از خطر رکود بیشتر گرفته" تا شکستن "محاصره اقتصادی" بوسیله لغو سود ویژه و ... آری، اگر اقتصاد رکود دارد، اگر بودجه سرمایه‌داران کسری دارد، اگر محاصره اقتصادی است، اگر ... و بالاخره امروز اگر جنگ است تاوان همه اینها را باید کارگران بدهند! این منطق سرمایه‌داری است.

ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۱

نمیکنند، برای همیشه حساب خودش را از این حزب جدا خواهد کرد" (مجاهد ۱۵۹)

شوروی کیست که مجاهدین چنین او را از حزب توده خائن جدا میکنند تا بدانجائی که مسئولیت بدنام کردن آنرا به گردن حزب توده دانسته و ...

شوروی امپریالیستی است که متأسفانه در جنبش انقلابی دمکرات و انقلابی کمونیستی میهن ما کسم بدان پرداخته شده است و علی‌رغم موضعگیری برخی از نیروهای جنبش کمونیستی در مقابل آن امپریا - لیسم شوروی همچنان در سطح جنبش توده ای و انقلابی ایران از تعرض یک مبارزه همه جانبه و پیگیر درامان مانده است و بنا به جهت نفوذ ایدئولوژیک رویزیم - نیسم روسی در ایران از خطرات جدی در مقابل انقلاب ایران بوده و میباشد و بویژه امروز، پس از دو سال که از قیام ۲۲ بهمن میگذرد، در مقابل واقعتهای تاسف‌بار خیانت بخشی از چریکها رشد گرایشات شدید رویزیونیستی در صفوف جنبش کمونیستی که حتی گاه به انشعاب برخی از سازمانها و گروههای این جنبش نیز کشیده است، عدم تحلیل عمیق رویزیونیسم از نقطه نظر فلسفی، اقتصادی، سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی وجود برخی رگه‌های ناشناخته رویزیونیستی در نظریات نیروهای این جنبش و ... قرار دارد و اینها همه خطرات شوروی و رویزیونیسم را در تمام اشکال آن (رو یزیونیسم به جهانی و بویژه روسی) هر چه بیشتر بمانشان میدهد خطراتی که دورنمای انحراف و انهدام جنبش و وابستگی به قدرت امپریالیستی دیگری را در مقابلمان مینهد! بنا به دلایل فوق و هزاران دلیل دیگر است که تاکید بر افشای همه جانبه سوسیال امپریالیسم شوروی و رویزیونیسم در تمام ابعاد آن و اقدام در این جهت نیازی حیاتی است!

جملات یاد شده از مجاهد ۱۵۹ یکبار دیگر خطرات عظیم شوروی را بطلان میزند تا بدانجائی که سازمان مجاهدین به مثابه جریان خرد بورژوازی که وسیعترین پایه را در میان توده های خلق ما دارند از چنین تزلزل عمیقی نسبت به شوروی برخوردار -



تونیمتها نیز دقیقا به خاطر نا پیگیری، انحرا-
فات و سطحی نگری های عوامفریبانه ای است که
ریشه کنی امپریالیستها و استعمارگران خلفها
را به تاخیر میاندازد. پس بحث ما بر سر
اپورتونیسیم سنتی ریشه داری است که در سراسر
تاروپود این حزب "شرطی" شده است" (مجاهد
۱۰۹)

صرفنظر از اینکه مجاهدین آنقدر خود مرکزبین هستند
که امپریالیسم را نه در مقابل توده ها و دشمن
توده ها بلکه دشمن مجاهدین ارزیابی میکنند و همواره
از کانال مجاهدین به دنیا نگاه میکنند، و صرفنظر
از دید مجاهدین نسبت به مسئله فرمیسم که در بررسی
دقیقتر نظرات مجاهدین نسبت به حزب توده بدان نیز
خواهیم پرداخت و بلاشک نمیتواند جدا از دید فرمیستی
و سازشکارانه خود مجاهدین باشد، مجاهدین حزب
توده را در جبهه انقلاب و تنها یک نیروی فرمیست
و اپورتونیسیمت - با همان درک گذار مجاهدین از آن -
ارزیابی میکنند که خواست مبارزه با امپریالیسم
را دارد اصولا علیه امپریالیسم هم مبارزه میکنند
ولی دچار "سطحی گراشی" است، "ناپیکیری"
است و قس علیهذا، البته مجاهدین نزدیکی و همکوشی
و اتحاد حزب توده را با حزب جمهوری اسلامی نه از زویه
کوشش شوروی در نفوذ سیاسی در ایران و نهایتا کسب
سلطه سیاسی بلکه صرفا این رابطه را از این نظر
که حزب جمهوری اسلامی در نزدیکی با امپریالیسم
است مورد انتقاد قرار داده و آنرا ناشی از سطحی
گراشی و فرمیسم حزب توده ارزیابی میکنند - امریکه
حتی در همین حد سطحی قادر نیستند در رابطه با اتحاد

خودشان با بورژوازی لیبرال مشاهده نمایند - مجاهد-
ین قادر به درک این مطلب نیستند که تضاد حزب توده
با امپریالیسم آمریکا بدلیل ماهیت ضد امپریالیستی
آنها نبوده بلکه صرفا بیانگر تضاد بین منافع
اتحاد سیاسی سرمایه های وابسته به امپریالیستهای
گوناگون و در اینجا امپریالیسم شوروی و امپریالیسم
آمریکاست. مجاهدین قادر به درک این امر نیستند
که اگر حزب توده زمانی رژیم شاه و انقلاب سفیدش
را تقدیس میکند، زمانی سعی در نزدیکی به دولت
بزرگان دارد و زمانی دیگر در کنار حزب جمهوری بر
"لیبرالها" میازد، همگی به یک راستا و دقیقاً بر
اساس تامین منافع اقتصادی سیاسی سرمایه های
انحصارات دولتی امپریالیستی شوروی است! بنابراین
این حزب توده نیست که "شوروی را بدنام" میکند
بلکه دقیقا منافع امپریالیسم شوروی است که ایجاب
مینماید شوروی و حزب توده و تمامی رویزیونیستهای
وابسته بدان منظور توده های انقلابی گردند که البته
این بدنامی و نفرت تامین نمیکرد مگر به همت مبار-
زات افشاگرانه و ایدئولوژیک جدی علیه آن.

دارند. ما سابق بر این نوشتیم که سازشکاریهای مجا-
هدین تنها در مقابل بورژوازی "لیبرال" و رویز-
یونیستهای سه جهانی ایران نباید در نظر گرفته شود
بلکه تزلزلات مجاهدین در مقابل جناح دیگر هیستانت
حاکمه، یعنی حزب جمهوری و حزب توده و شرکا، در نظر
گرفته شود، مجاهدین در بطن خود همواره خطر چرخش
با این جناح و همکاری با رویزیونیستهای حزب توده ای را
دارد. مجاهدین که در تحلیل های خود شوروی را مرکز
یک قدرت امپریالیستی ارزیابی نکرده و حتی آنرا
انقلابی نیز میدانند، مجاهدین که در برخورد های
گذشته خود نشان دادیم چگونه از رویزیونیسم در تمامی
تحلیل های اقتصادی - سیاسی خود بهره وری میکنند
و... از آن چنان تزلزل عمیقی برخوردارند که دورنمای
خطرات جدی را در مقابل جنبش انقلابی ایران میگذارند
بخصوص که مجاهدین خود را آنچنان محق میدانند که
اگر شوروی پی به ارزش آن ببرد احتمال دارد از حما-
یت حزب توده دست کشیده و حمایت از مجاهدین
را پیشه کنند و از نظر مجاهدین علت حملات حزب
توده به مجاهدین نیز از همین زوایه میباشد:

"اعتبار مردمی و رشد روز افزون انقلابیون
نظیر مجاهدین، بخودی خود دلیل کاملاروشنی
است برای عکس العمل هائی که گفتید و بنا بر-
این شدیدترین اعتراضات و سنگین ترین اتهامات
آغاز میشوند و از این پس هم باید آنها را پیش
از پیش انتظار کشید... ضمناً این روزها با توجه
به دلیلی که گفتیم، حزب توده حتی به لحاظ
محاسبات بین المللی بسیار خاص خودش نیز، به
چنین حملاتی شدیداً نیازمند است زیرا فکر میکنند
که چه بسا از خیلی چشم ها سبقتدا" (مجاهد ۱۰۹
تاکید از ما است)

انعکاس تحلیل مجاهدین از شوروی به مثابه یک
یک کشور سوسیالیستی، مانع از آن است که پی آمد
حرکت یک قدرت امپریالیستی را در حرکت نیروهای
سیاسی وابسته بدان درست ارزیابی کند از این جهت
که مجاهدین اصولاً قادر نیستند که حزب توده را بمثابه
مدافعین سرمایه داری وابسته به شوروی مورد ارزیابی
و برخورد قرار دهند و بنا بر این در تعیین صفوف
انقلاب و ضد انقلاب حزب توده را نه در مفاد انقلاب
بلکه در مفاد انقلاب، ولی با انتقاداتی نسبت بدان
قرار میدهند. از این جهت است که اساس انتقادات
مجاهدین به حزب توده چنین است.

"میدانید، دشمن مجاهدین در این مرحله تاریخی
اماس همان امپریالیستها و ایادی رنگارنگ
آنها در هر جا و مکان و با آن سیاستهای است
که برای آنها راه را هموار میکند. بنا بر این
اعتقاد نظر و تصادمات ما با فرمیستها و اپور-

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

حال مجاهدین اگر خود را آنقدر محق میدانند که در نظر دارند وظیفه و رسالت "خوشنام" کردن امپریالیسم شوروی را خود برعهده گیرند، و با شامه طبقاتی خودشان گرایش امپریالیستهای روسی را که با اتکاء جریاناتی که پایه های توده ای وسیع دارند کوشش در نفوذ سیاسی در جوامع تحت سلطه و نهایتاً کسب سلطه سیاسی - اقتصادی دارند - درک مینمایند، اینرا نیز بدانند که چنین راهی همچنان که سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) پیمودند در ره سقوطی است که در نهایت در غلطیدن به جبهه کامل ضد انقلاب است که چنین نیروهای تنها و تنها شایستگی نابودی بدست توانای کارگران و زحمتکشان را دارند ●

زحمتکشان! عبارت دیگر میگویند اسلام مخالف رفاه زحمتکشان است! و با اینکه مهمترین بهانه شان بهانه جنگ است همانطور که شهردار بی مقدار تهران در پاسخ به رانندگان واحد میگوید:

" اصولاً بودجه امسال بودجه جنگی است و باید بسیاری از این مخارج غیر ضروری کاسته شود "

بباید قدری بیشتر سخنان آقای شهردار را بررسی کنیم، بودجه جنگی یعنی اینکه از آمریکا و شوروی تا میتوانیم مهمات جنگی بخریم تا ایران را مانند دوران شاه جلاد به انبار اسلحه تبدیل کنیم تا مردم ما بجای نان گلوله ژ - ۳ و نارنجک بخورند! بودجه جنگی یعنی اینکه کارگران و زحمتکشان ایران روانه جبهه های جنگ بشوند تا برای دولتی که به اظهار خودشان " کارگران را باید تشبیه و تیرباران بکند" جانفشانی کنند و " شهید" شوند... بودجه جنگی یعنی خرج پول فراوان برای مسافرت هیئت خاмене ایها جلال الدین افغانی ها، بی هنرها، و... به ممالک امپریالیستی و نوکران امپریالیستی که برای امپریالیستها خوش خدمتی کنند و قرارداد و پیمان ایران فروشی و دوستی با آنها را امضاء کنند! بودجه جنگی یعنی مخارج کلان حوزه های علمیه، پوسترهای تبلیغی، سخنرانیها و نطق و خطابه ها، روزنامه های ضد کارگری و مخارج زندانها، شکنجه گاهها، کمیته ها، حزب الهی ها و جفاکارها یعنی مخارج ارتش و سپاه پاسداران تا مانند زمان رژیم شاه فرجه شوند و بروی مردم زحمتکش ما آتش مسلسل بکشایند و...

و اما مخارج غیر ضروری از نظر آقای شهردار یعنی حقوق کارگران که صرف زنده ماندن زن و بچه های آنها میشود یعنی مخارج بیمارستان، یعنی مخارج مواد غذایی مورد نیاز و ضروری مردم یعنی... که اینها از نظر آقای شهردار از برنامه بودجه باید کاسته شود!

مردم مبارز ایران!

حال خودتان قضاوت کنید، آیا این کارگران زحمتکش و این رانندگان شرکت واحد هستند که حقوق دارند یا بانیان جمهوری اسلامی؟ رفسنجانی، بهشتی ورجائی و... که میگویند کارگران ضد انقلاب و آمریکا-شینند و باید تشبیه و... شوند حقوق دارند و یا کارگران شرکت واحد که میگویند:

" مقامات این را باید بدانند که کارگرمند انقلاب نیست و این کارشکنی ها از طرف افراد غیر مسئول انجام میگردد ما فقط شوراها را قبول داریم " (به نقل از کارگر شرکت واحد - انقلاب اسلامی ۵ اسفند)

این کارگران و رانندگان شرکت واحد که بر پیشانی شان چروکدهها سال زحمت و درد و رنج نقش بسته است حقوق دارند و یا بر منابر لم دادگانی که با پول من و شما دهها سال به زندگی امن و آرام و خوشحالی خود ادا مه داده اند و مانند رفسنجانی بازار و بفروش و مالک زمینهای پسته، بهشتی فرستاده رسمی شاه خاشن برای تبلیغ به هامبورگ و بنی صدر لم داده بر چندین سال زندگی بی دغدغه در پاریس و... که

به دفاع از... بقیه از صفحه ۱

مالامال از کینه نسبت به کسانی که ناجوانمردانه آنها را ضد انقلابی و عامل آمریکا معرفی مینمودند بازور و تهدید مجبور به بازگشت به سرکارشان شدند. رانندگان شرکت واحد تنها زحمتکشانی نیستند که مبادرت به اعتصاب کرده اند. امروز بسیاری از کارگران کارخانجات در مقابل فشار طاقت فرسای زندگی در مقابل گرانی بیش از اندازه، در مقابل کاهش دستمزدهایشان و عدم پرداخت حق مسلم کارگران یعنی سود ویژه که در واقع بخشی از حقوق کارگران بوده و هیچ ربطی به سود کارخانجات ندارد صدای اعتراضشان بلند شده است. ولی رژیمی که با دروغ و فریب خود را مدافع مستضعفین میخواند در مقابل تمامی اعتراضات مردم زحمتکش ما چنین جواب میدهد:

" من فکر میکنم باید یک قاطمیتی بخرج داد و اینها شیکه دست به این کارها میزنند از هر کسی هر چی باشد حتی عنوان کارگر خودشان گرفته باشند که ترجم را جلب بکنند، اینها قابل ترجم نیستند و باید شدت تشبیه بشوند" (هاشمی رفسنجانی - روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۵ اسفند)

مشاهده میکنید سردمداران جمهوری اسلامی آنقدر وقیح شده اند که دیگر امروز با صراحت تمام واقعیت و ماهیت ضد کارگری خود را با زبان خودشان بیان میکنند: حمایت از مستضعفان یعنی تشبیه کارگران و...

و این همان سیاستی است که این جمهوری ضد کارگری با اتکاء به آن به سرکوب رانندگان شرکت واحد، کارگران دخانیات، کارگران بیکار، کارگران جنگ زده جنوب، و همه کارگران مبارز که برای خواسته های به حقشان زبان به اعتراض باز کرده اند میپردازد!

بهانه های رژیم جمهوری اسلامی چنین است: ما برای اسلام ~~تکلیف کرده ایم~~ و نه برای رفاه زندگی

مبارزات کارگران

شرکت ساختمانی خورردین در فرح زاد تهران (شمال غرب تهران) قرار دارد . صاحب آن سرمایه - داری لبنانی بنام کتانه است وی از دوستان نزدیک آیت الله کنی ، چمران و یزدی است . علاوه بر این وی در شرکت جنرال الکتریک - عمران و نوسازی و صنایع دیگر سهام دار است وی وارد کننده ماشینهای سواری ، کالانت ، داتسون ، بوده و به تجارت لوازم خانگی هم اشتغال دارد . ایشان در ضمن دوستان نزدیکی نظیر الیاس سرکیس را نیز در لبنان دارد . این سرمایه - دار کثیف در ابتدای پراز قیام بطور " اشتباهی " ممنوع الخروج بوده و اموالشان هم صادره شده بود اما بلطف دوستان شفیقش رفع اتهام شد و تا کنون ۲۰ بار از ایران خارج شده و اموال توقیف شده اش نیز آزاد شده است .

ایشان هم از توبره میخورند و هم از آخوور یعنی هم در میان " لیبرالها " و هم در میان " مکتبی - ها " از حمایت دوستان برخوردارند . شرکت ساختمانی خورردین دوماه پیش اقدام به اخراج ۴۰۰ کارگر که اکثر کرد بودند نمود آنهم به بهانه بستن شرکت و نداشتن سرمایه و مصالح ! اما شورای شرکت این بهانه ها را مردود اعلام نمود ولی ایشان با اتکاء به دوستان ذی نفوذشان موفق به اخراج کارگران میگرددند . ابتدا کارگران در برابر این تصمیم دست بمقاومت زده و برای تصفیه حساب مراجعه مینمایند ولی سرانجام پراز دوماه مقاومت درحالیکه درتنگی اقتصادی بسیار شدیدی قرار گرفته بودند ناگزیر از تصفیه حساب میشوند درحال حاضر تنها یک نفر از کارگران عضو شورا است که همچنان به مقاومت دلیرانه اش ادامه میدهد .

شرکت ساختمانی مذکور بعد از اخراج کارگران مجددا اقدام به استخدام ۸۰ کارگر با مزدی معادل ۳۰ تا ۴۰٪ کارگران اخراجی نموده است . و درواقع ماهیت چنین اخراجهای دسته جمعی را به بهانه های گوناگون نشان میدهد . نشان میدهد که سرمایه داران برای خاطر سود بیشتر و در شرایطی که درد بیکاری و بحران جامعه تا بدانجائی است که کارگران برای فرار از مرگ ناگزیر بکار در بدترین شرایط و پابین - ترین دستمزدها میباشند ، بلافاصله اقدام به اخراج کارگران و استخدام کارگران با مزد کمتر مینمایند . آنچه که موجبات شکست کارگران مبارزان شرکت را فراهم آورد، اول نبود یک صندوق اعتصاب و نتیجتاً فشار شدید اقتصادی به کارگران از یک طرف و از طرف دیگر نبود تشکیلات منظم در رابطه با کارگران بیکار که بتواند مبارزات کارگران شاغل و بیکار را در پیوند با یکدیگر قرار داده و به پشتیبانی از یکدیگر و ا

امروز خود را انقلابی و طرفدار مستضعفین نمایش میدهند ؟

مردم مبارز و زحمتکش ایران ! بهوش باشید این فقط خمینی نیست که میگوید اعتصاب کارگران خیانت محسوب میشود و این فقط رفسنجانی ها و رجائی ها نیستند که تدارک تنهیه سه و ... برای کارگران مینمایند و کارگران مبارز را اخراج و دستگیر و زندانی مینمایند و شورا های واقعی آنها را منحل کردند بلکه همچنین این مجموعه باند بورژوازی لیبرال نیز بودند که از هیچ کوششی برای انحلال شورا های واقعی کارگران ، و سرکوب آنها و حمایت از سرمایه داران فرو گذار ننمودند . کارگران انقلابی نباید فراموش کنند که همین آقای بنی صدر با شعار " شورایی شورا " برای کارگران چهره ضد کارگری خود را بدانان نشان داد . اکنون مبارزه رانندگان و کارگران زحمتکش شرکت واحد مبارزه ای است بحق و رژیم جمهوری اسلامی آنرا سرکوب میکند تا با تکاء بدان صدای حق طلبانه همه شما را خفه کند ! پیروزی کارگران شرکت واحد در مبارزاتشان پیروزی همه کارگران ایران است ! و این تنها همبستگی همه ما امکان پذیر است .

کارگران و زحمتکشان ما حاضرند پیاده بر سر کارشان بیرونند تا مبارزات کارگران شرکت واحد به پیروزی برسد ! کارگران جدا از هم را رژیم ضد کارگری راحتتر میتواند سرکوب کند ولی وقتی همه کارگران با هم متحد باشند هیچ قدرتی قادر به درهم شکستن آنها نخواهد شد بخاطر بیاوریم ، زما - نیکه در دوران سیاه آریامهر خائن کارگران صنعت نفت اعتصاب کردند ما حاضر به تحمل سرما شدیم ولی تنگ خیانت به کارگران زحمتکش نفت را بجان نخریدیم و اکنون نیز همراه کارگران شرکت واحد برای حقوق حقه مان خواهیم جنگید !

زنده باد جنبش کارگری ایران !
پیروز باد مبارزات کارگران و زحمتکشان شرکت واحد !



نبودن پادشاهی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

دارد تا به عنوان مثال با تحریم شرکت فوق از طرف کارگران بیکار مانع از اخراج کارگران شاغـ ل گردند و...

کارگران در مبارزات اقتصادی شان در حال حاضر خوب عدم وجود تشکیلات (اتحادیه های کارگری) همیشه و سراسری را میخورند و بهمین دلیل نمیتوانند چون تنی واحد در مقابل سرمایه داران قرار گیرند نتیجتا علیرغم جانفشانیها و مبارزات دلیرانه شان به شکستهای این چنین نیز میرسند ولی این شکستها سراسر تجربه است تجاربی که نیاز به تشکیلات را هر چه بیشتر نشان میدهد. نیازی که کارگران آگاه، انقلابی و کمونیست موظفند در ساختمان آن هر چه بیشتر بکوشند!

جمهوری اسلامی...

وقتی که جهان به دو بلوک سوسیالیسم و امپریالیسم تقسیم میشود راه سومی بین ایندو نمیتوانسد وجود داشته باشد. بنا براین بلوک بندیهای کشورهای با مصالح جهان سوم تحت عنوان غیر متعهدها خالی از مفهوم واقعی است. رژیمهای ارتجاعی این بلوک وانمود میکنند که ضد امپریالیسم و مستقل از جهان امپریالیستی و مترقی میباشند در حالیکه عملی - بینیم که کشورهای شرکت کننده در دابلوک بندی آمریک و روسیه امپریالیستی قرار دارند.

شرکت افغانستان، کوبا، هند از یکسو و پاکستان، سعودی و اندونزی از سوی دیگر نمایندگان بلوک بندی این کنفرانس با امپریالیسم شوروی و آمریکائی است و هیچگونه ماهیت مترقی و ضد امپریالیستی ندارد، زیرا هدفی که کشورهای تشکیل دهنده این کنفرانس دنبال مینمودند یعنی بازگشایی راه سومی مستقل از بلوک کشورهای عضو ناتو و ورشو، بدلیل وابستگی های اقتصادی - نظامی و سیاسی این کشورها به دابلوک امپریالیستی شرق و غرب نمیتواند این کشورها را از دو بلوک فوق الذکر مستقل گرداند.

با آگاهی به این موضوع که کنفرانس کاملاً متعهد میباشد، ببینیم شرکت ایران در این کنفرانس چه منظور بوده آیا موفقیتی کسب کرد یا نه و چرا؟ شرکت ایران در این کنفرانس که بمنظور خروج از انزوای سیاسی بود نتوانست برای ایران موفقیتی داشته باشد، زیرا ایران ۳ پیشنهاد داد، پیشنهادات عبارتند از: ۱- تشکیل بانک اقتصادی از کشورهای منطقه ۲- شورای نگهبان برای کنترل و قضاوت جهت ندادن پایگاه و تسهیلات از سوی کشورهای منطقه به ابر قدرتها ۳- خواستار خروج قوای نظامی عراق از ایران و محکوم نمودن این کشور و خارج نمودن و لغو عضویت عراق، مصر و افغانستان از کشورهای غیر متعهد گردید که هیچکدام پذیرفته نشد، بهزاد نبوی سرپرست هیئت ایرانی شرکت کننده در کنفرانس و وزرای خارجه کشورهای غیر متعهد در مراجعت از کنفرانس گفت اولاً شرکت ما در این

کنفرانس بدون کوچکترین موفقیتی جهت خروج از انزوای سیاسی مان بوده است زیرا " هیچ آمیدی به تصمیمات کنفرانس نداریم " و کشورهای عضو کنفرانس " عافیت طلبی را در سکوت وبی تفاوتی یافتند و این بزرگترین انتقاد ما به آنهاست "

در مورد طرح ایران آقای نبوی گفت که با هیچ یک از طرحهای ایران موافقت نشد. قابل توجه است بعد از کنفرانس سران کشورهای اسلامی در طائف ۶ کشور خلیج فارس یعنی عربستان سعودی، قطر، بحرین، کویت، عمان و امارات متحده عربی کوششهای خود را آغاز نمودند تا یک اتحادیه نظامی مشترک در خلیج فارس بوجود آورند. این طرح بطور قطع با بنسنگار امپریالیستهای آمریکا و انگلس صورت گرفته است وابستگی کشورهای دست نشانده و وابسته ای مثل عربستان و عمان و... با امپریالیسم آمریکا و نفوذ امپریالیسم انگلیس در این کشورها گویای این مسئله است. درست در روزهای اول اعلام طرح ایجاد این بلوک بندی جدید سفر مارگارت تاچر به کشورهای منطقه گویای توافق امپریالیسم انگلس با طرح مذکور میباشد. شک نیست این طرح در مرحله اول در مقابل با جنبشهای رهاشی بخش و خلقهای منطقه و در مرحله دوم در مقابل با گسترش نفوذ و رسوخ امپریالیسم شوروی و کشورهای سرمایه داری بلوک شرق و سایر اقطار شوروی است که بخصوص در رابطه با او جگیری مبارزات زحمتکشان ایران بروسعت دامنه آنان در منطقه افزوده شده است. طرح اتحادیه نظامی کشورهای منطقه همان طرح قدیمی است که حتی کشورهای عربی منطقه در دوران حاکمیت رژیم شاه نیز مطرح نموده بودند و امپریالیسم آمریکا و انگلس نمیتوانستند با نفوذ و سلطه کم نظیر خود به رژیم شاه با آنان موافقت کنند و اکنون که شاه سرنگون شده و رژیم جدید نیز علیرغم اینکه در مسائل اساسی سیاستهای داخلی و خارجی پای رژیم شاه میگذارد، دارای یک سلسله اختلاقات سطحی با امپریالیسم آمریکا است و اساساً بدلیل اینکه رژیم فعلی دارای شبات سیاسی نبوده و قادر به اجرای کامل برنامه های امپریالیسم آمریکا نیست و لذا با این طرح بدون ایران موافقت نموده است. و طرح مستقل ایران دایر بر تشکیل شورای نگهبان مرکب از کشورهای منطقه در واقع طرحی در مقابل طرح فوق بوده که با آن مخالفت گردید. همچنین با سومین نکته برنامه ایران نیز در کنفرانس دایر بر خروج ایران و مصر و افغانستان از کشورهای غیر متعهد و محکومیت عراق و خواستن خروج نظامی عراق از ایران نیز مخالفت شده و رد گردید در واقع علیرغم ماهیت ضد خلقی رژیم ایران و بخصوص از آنجائیکه هیئت نمایندگی ایران از حزبون بودند و این جناح پیش از پیش در جامعه و جهان بی اعتبار شده و در درون آنها نیز جریانهای متعابلی بشوروی هستند کشورهای مزدور و وابسته با امپریالیستهای آمریکائی و غربی در این کنفرانس که اکثریت کشورهای را نیز تشکیل میدادند چندان هیئت نمایندگی ایران را " بازی " نگرفتند ●

نامه ای را که در اینجا ملاحظه میکنید یکی از همان نامه های انتقادی است که بدان پاسخ داده میشود.

★ ★ ★

نبرد شماره ۱ مقاله مرحله نوبین در کشمکش جناحهای حاکم در این مقاله بحث میشود که حزب جمهوری اسلامی با آگاهی براهمیت سازماندهی و ایجاد تشکیلات بعنوان ابزار کار ساز اعمال حاکمیت و تثبیت در اولین فرصت به تشکیل حزب، انتشار ارگان، تاسیس نهادها و لژیونهای مختلف خود پرداختند و از همین طریق به تصرف بخشهای مختلف قدرت دست زدند و لسی بورژوازی لیبرال با ذهنیگری و اعتماد بنفس اتوپیک و جهان بینی ارتجاعی اومانسیم انگارگرایانه و برآورد ضد تاریخی خویش از نقش توده ها یارای درک دینا- میسم تحولات و فراشد تغییرات درون حاکمیت و قدرت را نداشت و حالا بورژوازی لیبرال با بیک خوردن و با یک جمع بندی نقادانه از گذشته اش کاملاً از خواب خرگوشی اش برخاست.

میبینیم نبرد صفات ذهنیگری و اعتماد بنفس اتوپیک و جهان بینی ارتجاعی اومانسیم انگارگرایانه و برآورد ضد تاریخی خویش از نقش توده ها را به بورژوازی لیبرال نسبت میدهد تا توضیح دهد چرا بورژوازی لیبرال در مقابل جناح رقیب به خواب خرگوشی فرورفته بود. اما در نبرد شماره ۹ از دور اندیشی بورژوازی لیبرال سخن میگوید:

" آری در چنین زمانی لیبرالهای هیئت حاکمه با دوراندیشی بیشتری تشخیص دادند که ... و همچنین در نبرد شماره ۱۰ در مورد برخورد بورژوازی به پرولتاریا و قدرت سیاسی و حریف خود در قدرت بحث می کند و در ادامه بحث به بورژوازی هشیار ایران میپردازد (مقاله لیبرالها و تحکیم سیستم سرمایه داری و - بسته)

" بورژوازی در کینه طبقاتی نسبت به پرولتاریا آنقدر عمیق است و آنقدر آشتی ناپذیر که در رقابت با رقیب در قدرت نیز، بنا به ماهیت طبقاتی خود به سرکوب پرولتاریا میپردازد تا ثابت کند در سرکوب طبقاتی طبقه کارگر پیگیرتر و استوارتر بوده و بنا براین "لیبا- قت" و "گاردانی" بیشتری جهت تصاحب بلامنازع قدرت را دارد؛ تا ثابت کند که در اعمال دیکتاتوری بورژوازی از حریف قاطعتر و آماده تر است. بورژوازی "هشیار" و نامفر استخوان ارتجاعی ایران ..."

تناقض در این بحث جوضوح پیدا است. چنانچه برخورد نبرد به حزب جمهوری اسلامی نیز غیر از این نیست. در نبرد شماره ۱ صحبت از آگاهی حزب جمهوری

پیشنهادات و انتقادات



مدتی است که از طرف رفقای مختلف نامه ها و پیشنهاداتی در جهت غنا بخشیدن به نشریه به ما میرسد که متأسفانه تا کنون قادر به پاسخ گفتن به آنان نشده بودیم. اما اکنون این فرصت بدست آمده و ما از این ببعده نامه ها و نوشته های انتقادی و پیشنهادات رفقا را در این صفحات درج خواهیم کرد. در این رابطه توضیح دو نکته ضروریست اولاً بر خلاف روش حاکم در میان کمونیستها صفحه ای را که ما در اینجا برای پاسخ با انتقادات و پیشنهادات باز میگذاریم برای رفع و رجوع کارها و در رابطه با رفع نیازهای فردی افراد نیست بلکه این صفحات عمدتاً در خدمت مبارزه ایدئولوژیک و برای هر چه غنی تر کردن نشریه و کمک بارتقاء مبانی سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی جنبش است مگر در موارد نادری که ضرورت داشته باشد ما اقدام به پاسخهای خطی برای رفع نیازهای فردی افراد می نمائیم. اما روح حاکم بر این صفحات باز گشودن بحثهای سیاسی - ایدئولوژیک میباشد. از همین زوایه ما خود را ملزم به پاسخ همه نامه های رسیده نمیدانیم بلکه هیئت تحریریه تنها به نامه هائسی پاسخ میدهد که در خدمت رشد و ارتقاء جنبش کمونیستی، و اولویت موضوعات در شرایط ویژه کنونی باشد.

دوم اینکه چون این صفحات در خدمت رشد مبانی سیاسی - ایدئولوژیک جنبش کمونیستی است فقط در خدمت اعضاء و هواداران گروه خودمان نبوده بلکه صفحاتی است که در اختیار همه نیروهای جنبش کمونیستی میباشد. امید داریم همه دوستداران و همپایان تیزانتهای جنبش کمونیستی ما را در حل مسائل مشکلات جنبش یاری دهند.

ما اطمینان داریم که نشریه نبرد تا زمانیکه نتواند یک کانال فکری بین خود و همه هواداران جنبش کمونیستی بوجود آورد هرگز از عهده انجام وظیفه کمونیستی خود بر نخواهد آمد. ما در شماره های آینده در مورد ضرورت حیاتی همکاری هواداران جنبش کمونیستی با نشریه در مقاله جداگانه ای صحبت خواهیم کرد ولی آنچه که در اینجا باید مورد تاکید قرار گیرد همان احتیاج مبرم و حیاتی نشریه بکمکهای مخصوصاً فکری همه هواداران جنبش کمونیستی است.

(هیئت تحریریه نبرد)

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

و قدرت را نداشت

بعبارت دیگر طبق این نظر ، بورژوازی ایران که امروز در راس قدرت حاکمه قرار گرفته است (جناحی از آن) به معنای واقعی کلمه بورژوازی لیبرال است و دارای اتوپسیم لیبرالی است ، " اومانسیم انگار گرایانه " این بورژوازی خواهان آزادی است و ... ولی آیا چنین حکمی درباره بورژوازی "لیبرال" ایران صادق است بعبارت دیگر آیا این بورژوازی لیبرال است چنین میگوید :

" این اتوپیی ها زائیده منافع آن طبقاتی است که بر ضد نظام کهن بر ضد سرواژ و بیدادگی و خلاصه " بر ضد پورشکویج ها " مبارزه مینمایند ولی این مبارزه جای مستقلی را اشغال نمیکند این اتوپیی این تخیلات را بعهده این عدم استقلال یا این ضعف است . خیالپرستی - بهره ضعف است (دو اتوپیی)

بعبارت دیگر بورژوازی برای رسیدن به سیادت طبقاتی خود ناگزیر است که در راه " آزادی سیاسی " مبارزه نماید و از آنجاییکه از توده های انقلابی بیش از ارتجاع حاکم میهراسد از این جهت است که فقط برای جلب توده ها ، شرکت و تقسیم قدرت با ارتجاع ظاهر دمکراتیک و آزادپخواه بخود میگیرد . بعبارت دیگر او مبلغ سازش ارتجاع حاکم و توده های انقلابی است .

این بورژوازی در گذشته با دیکتاتوری حاکم در تضاد بود و سهم شدن خود را در قدرت در مخالفت با این دیکتاتوری میدید ولی از روحیه انقلابی توده ها از دمکراتیسیم توده ها ، از جنبش و مجاهدت توده ها و از انقلاب توده ها که منافع کل بورژوازی را مورد تهاجم خود قرار میدهد بیشتر میهراسید ، بهمین جهت در پی سازش جنبش توده ها با رژیم شاه جلااد بود .

ولی این بورژوازی دیگر بقدرت رسیده است و امروز نه ابوزیسیون در مقابل قدرت حاکمه بلکه خود در قدرت حاکمه است . این بورژوازی اینک خود در راس سیستم سرمایه داری وابسته و بمثابة حافظ و بسط دهنده این نظام عمل مینماید . حفظ و بسط نظام سرمایه داری وابسته بدون اعمال دیکتاتوری بورژوازی بدون تحدید آزادیها اساسا امکان پذیر نیست .

دو سال تجربه مبارزه طبقاتی در ایران بسبب بهترین شکلی اعمال دیکتاتوری بورژوازی را بنمایش گذارده است . اینان قبل از هر چیز و در بالای تمامی برنامه های خود سازماندهی ارگانهای سرکوبگر طبقاتی و بخصوص ترمیم سازماندهی ارتش ، شهربانی ، ساواک و ... را قرار داده اند . در زمینه سرکوب ایدئولوژیک - سیاسی پرولتاریا نیز میتوان به تمامی نشريات این بورژوازی مراجعه نمود تا واقعیت کوشش آنها در سرکوب هر نوع اندیشه و دمکراسی پرولتاریا شده ای را مشاهده نمود و ...

ولی آنچه که این بورژوازی را ظاهر لیبرال و آزادپخواه میبخشد نه اتوپسیم لیبرالی آن ، بل عوامفریبی با نقشه و برنامه این بورژوازی برای سرکوب جنبش است که در تکامل خود اساس حاکمیت همین

براهمیت سازماندهی و ایجاد تشکیلات بعنوان ابزار کار ساز اعمال حاکمیت و تشبیت در اولین فرصت به تشکیل حزب ، انتشار ارگان ، تاسیس نهادهای ولژیو - نهایی مختلف خود میباشد در حالیکه در نبرد شماره ۹ بحث میکند حزب جمهوری فاقد دوراندیشی است (مقاله طوفان در راه است)

" اما جناح رقیب یعنی حزب جمهوری اسلامی بدلیل فقدان دوراندیشی خود نتوانست برگزیند آن حریف خود را بخواند امروز از اینهمه انزوای اجتماعی خود و قرار گرفتن در آماج اینهمه حملات و باز شدن مشت های خیانتکارانه اش و بهره برداری حریف لیبرالها از آن سخت انگشت بدهان شده است "

حال باید پرسید ارزیابی نبرد از دوراندیشی خرده بورژوازی و دوراندیشی بورژوازی در قدرت حاکمه ناشی از چیست ؟

باید پرسید مگر جناحهایی که در قدرت اند سیاستهای خود را تنها در رابطه با جناح رقیب اتخاذ میکنند که بقول نبرد بورژوازی لیبرال در ابتدا به خواب خرگوشی فرو میرود و سپس با یک خوردن و یک جمع بندی نقادانه تغییر جهت میدهد ؟ که حزب جمهوری اسلامی نیز برگزیند آن حریف را بخواند و اکنون سخت انگشت بدهان است ؟



بورژوازی "لیبرال" و اتوپسیم لیبرالی ؟

درنامه رسیده دو مسئله طرح شده است : اول آنکه نبرد حزب جمهوری اسلامی را حزبی خرده بورژوازی و بر این اساس تضاد درون هیئت حاکمه را تضاد بین بورژوازی و خرده بورژوازی ارزیابی میکند . و دوم آنکه نبرد میگوید " جناحهایی که در قدرت اند سیاستهای خود را تنها در رابطه با جناح رقیب اتخاذ میکنند " مقدم بر آنکه وارد بحث پاسخ به دو مسئله مطروحه گردیم ، تناقضات مهمی که در نوشته نبرد وجود دارد و رفیق نویسنده نامه فقط بدان اشاره کرده و بدان پرداخته است ، چنین است که در نبرد شماره ۱ بورژوازی را دچار اتوپسیم لیبرالی و در نبردهای شماره ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ و ... بورژوازی "لیبرال" رانده دچار اتوپسیم لیبرالی بلکه تنها سیاست آنرا بسا ظاهری " لیبرالی " ارزیابی میکند . برای روشن شدن مطلب به تشریح مسئله میپردازیم .

در نبرد شماره ۱ در خصوص جناحی از قدرت حاکمه ایران که به بورژوازی " لیبرال " معروف است چنین میگوید :

" ذهنیگری و اعتماد بنفس اتوپیک او سبب شده که در احتساب نیروی رقیب ، دایره امکانات و برد موفقیتش بکلی دچار غطا گردد و معادلات بسیار فلتی را در ذهن و اندیشه خود غطورونقش دهد . بورژوازی بتاثیر از همان جهان بینی ارتجاعی و اومانسیم انگار گرایانه و برآوردند تاریخی خویش از نقش توده ها یارای درک دینا - میسم تحولات و فراشد تغییرات درون حاکمیت



بورژوازی ارزیابی ننموده و آنرا دقیقاً بورژوازی ارزیابی کرده و میکند (صرفنظر از بحث در مورد ماهیت طبقاتی دقیق قدرت دولتی) بنا بر این سیاست رهبری حزب جمهوری را نیز نمیتواند دوران پیشی خرده-بورژوازی بداند!

نکته دیگر نیز نشاندهنده استنباط نامصحیح رفیق از نظر نبرد در مورد تضادهای درون هیئت حاکمه است که آن را صرفاً ناشی از رقابت دو جناح میدانند در حالیکه ما رشد تضادهای درون حاکمیت را نیز بطور اساسی ناشی از رشد بحران سیاسی - اجتماعی جامعه - مان و تنها انعکاسی از آن میبینیم. تضادهای درون قدرت حاکمه در درجه اول تضاد برنامه ها در چگونگی سرکوب توده ها و انقلاب، رفع بحران و تثبیت و تحکیم قدرت سیاسی بورژوازی و حفظ نظام سرمایه - داری وابسته است و سیاستهایشان بر این تعیین میشود و لاغیر! در حالیکه اصولاً تضاد درون جناحهای مختلف هیئت حاکمه را که در ضمن ناشی از رقابت درون ضد - انقلاب برای حفظ منافع بلوکهای سرمایه داری متفاوت است نیز نباید از نظر دور نگهداشته شود و هرچند که این جنبه اساساً جنبه عمده نباشد!

بورژوازی را نابود خواهد ساخت! عبارت دیگر - اگر بنی صدر سخن از آزادی مطبوعات، آزادی بیان، مناظره و... میگوید نه بدلیل اتوپیسم لیبرالیستی و اومانیسیم انگارگرایانه این بورژوازی، بلکه دقیقاً خط و برنامه این بورژوازی برای فریب توده ها در جهت طولانی نمودن زندگی حاکمیت سیاسی خویش است علاوه بر این نبرد ۱ عدم بسیج توده ای این بورژوازی را نیز بحساب ذهنیگرایی او میگذارد بدین طریق که "در حالیکه بدلیل فتور سیاسی اش ذهنیگرایی غرور آلود و خواب غرگوشی اش نه تنها موفق به تحدید حیات سازمانی خود نشده که حتی استخوان بندی و ارگانسیم پیش از این خویش را هم از دست داده است، نه تشکیلات مستقل حزبسیاش را بوجود آورده نه لژیونهای خاصی برای خود ایجاد کرده، نه عرصه های معین بسیجی برای خود دست و پا نموده و نه ارگان یکپارچه ای انتشار داده است"

بدین طریق نبرد ۱ به نفی این حقیقت پرداخته است که علت عدم بسیج توده ای بورژوازی لیبرال نه بدلیل عدم خواست او، نه بدلیل ذهنیگرایی غرور آلود و... او بلکه بدلیل آنستکه توده های مبارزه در براتیک دو سال مبارزه انقلابی خود تا حدود زیادی پی به سازشکاریهای بورژوازی لیبرال برده و این نیرو اساساً قادر به بسیج توده های میلیونی خلق نگردیده، بود بعلاوه آنکه پس از قیام نیز بطور دائم مورد حمله نیروهای انقلابی کمونیست از سوئی و "افشاگریهای" جناح رقیب به جهت حفظ هژمونی خود در قدرت از سوئی دیگر میباشد. صرفنظر از آن بورژوازی "لیبرال" همان گونه که تشکیل دولت موقت و حتی مرحله بعد از آن شان داد فکر میکرد میتواند رفته رفته جناح حزبسئون را بدوون اینکه برای خود تشکیلات جداگانه ای بسازد بطرف برنامه های خود بکشانند و این نقشه بورژوازی - "لیبرال" اتفاقاً نتنها نشاندهنده اتوپیسیم او نیست بلکه نشاندهنده هدف نقشه مند او در پاسداری آگاهانه از سیستم و نابودی دموکراسی است. ضمن اینکه بطور طبیعی نیز توده های مردم بدلیل عقاید مذهبی خود و از آنجاییکه جنبش ایران نیز شدیداً آغشته به مذهب بود عمدتاً در تاروپود شبکه حزبسئون که اساساً محل تجمع روحانیت مرتجع بود قرار میگرفتند.

بعبارت دیگر توده های مادر جنبش ۵۶ و ۵۷ و پس از آن بطور عمده نسبت به جناح دیگر هیئت حاکمه کنونی متوهم بوده و تحت رهبری آن قرار گرفته است و بورژوازی لیبرال نه از جهت عدم خواست و ذهنیگرایی بلکه از نظر عدم توانائی اش در یک دوره قادر به بسیج و سازماندهی توده ای نبوده است ولی اکنون که توهمات توده ها نسبت به جناح دیگر تا حدود زیادی شکسته است در تلاش و بسیج درجهت سازماندهی و بسیج توده ها نیز برآمده است!

و اما در مورد سئوالات رفیق! برخلاف نظر رفیق در خصوص نظر نبرد در مورد حزب جمهوری اسلامی نبرد رهبری و خط هدایت کننده حزب جمهوری اسلامی را خرده-

توطئه های رژیم و مقاومت قهرمانانه

زحمتکشان "خاک سفید"

پس از آنکه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی چون قوم مغول به زحمتکشان خاک سفید تاختند و در عرض مدت زمانی کوتاه هر آنچه از آبادی نام داشت را نابود ساختند باز هم آرام ننشستند، باز هم توطئه و دسیسه و قصد حمله و همه اینها در مقابل اراده زحمتکشانی که عزم کرده اند تا در خدمت منافع خود و برای تامین آن در مقابل سرمایه داران و دولت مدافع آنان مقاومت کنند!

اولین توطئه رژیم پس از مشاهده تلاش این زحمتکشان در باز سازی خانه های خود، کوشش در جلوگیری از رسیدن مصالح مورد نیاز اهالی است. از گذشته برای منطقه خاک سفید تانکری آب میآمد که آب اهالی را تامین میکرد البته آب بشکه ای ۵ ریال به اهالی فروخته میشد. در شرایط فعلی که اهالی بکار بنائشی مشغولند نیاز به آب بیشتر نیز شده بود ولی از روز ۱۵ بهمن عمال رژیم از آورده شدن آب به منطقه جلوگیری بعمل آورده اند. تا بدین ترتیب مانع از کار بنایی اهالی گردند مردم منطقه برای تامین آب به یک چشمه که در سمت راست منطقه و قهوه خانه ای که در سمت چپ آن قرار دارد مراجعه مینمایند و روشن است که تهیه آب بدین طریق با چه مشکلاتی روبروست.

توطئه دوم کوشش در فریب آنها و تخفیف روحیه انقلابیشان است که قبلاً با ارسال گزارشگران رادیو و تهیه برخی از گزارشات که بنا به اذعان خود گزارشگر هرگز پخش نخواهند شد چرا که اگر پخش گردد بسیاری از مستضعفین جهت تهیه مسکن بدانجا سرازیر خواهند شد، سعی میکنند که خود را حامی مستضعفان

اخبار کسور کیهان - یکشنبه ۶ شهریور ۲۰۲۶ - ۲۸ اوت ۱۹۷۷ - شماره ۱۰۲۰۲

تخریب خانه‌های خارج محدوده ادامه دارد



تخریب خانه‌های بی جواز ادامه دارد

گروهی از شهرداری تهران از صبح امروز شروع به تخریب خانه‌های خارج از محدوده شهر را در سطح وسیع شروع کردند و تعدادی خانه را تخریب کردند.
شهروندان امروز برای اینکه مریض‌ها را از تخریب خانه‌های خارج از محدوده شلخته شود لایه‌های آبی بر سر گذاشته بودند و تعدادی از آنها نیز چوب همراه برده بودند. در بعضی مناطق خارج از محدوده شهرداری تهران نیز خانه‌های مردم را تخریب کردند. شهروندان همراهی می‌کنند و در صورت حمله مردم و تخریب خانه‌ها با شهرداری و پلیس همکاری می‌کنند.

این یکی از خانه‌هایی است که با حمله شهروندان شهرداری در جوار پل تهران پارس خراب شده است

تجربه قبلی به شهر رفته و کامیونی برای لاستیک فرسوده به منطقه آورده و بین اهالی پخش می‌کنند که در صورت حمله به منطقه آتش زده شود علاوه آنکه با تهیه کوکتل مولوتف و ... آماده پاسخگویی به تهاجم عمال رژیم می‌گردند ولی مزدوران رژیم آنچنان که اهالی می‌گویند زمانیکه بسیج این چنینی بوده ها را می‌بینند از ترس و وحشت از حمله صرف نظر می‌کنند! و این تجربه ای باشد برای رژیم منفور حاکم که دیگر هوس خراب کردن خانه زحمتکشان خاک سفید بر سرش نزنند! (هر چند که رژیم توانایی تجربه اندوزی ندارد)
چنین است مقاومت زحمتکشان انقلابی خاک سفید علاوه بر این ، این مردم رنج دیده با درک از واقعیت ضرورت اتحاد و وجود آوردن تشکلی که نماینده این اتحاد و رهبری کننده مبارزات مردم باشد اقدام به ایجاد شورای واقعی خودشان نموده اند تا بطور

نشان دهند غافل از آنکه توده ای را که واقعیت است شمارگرانه و سرکوبگرانه رژیم را درزندگی خودشان آنچنان شناخته است که زحمتکشان خاک سفید، هرگز فریب این کوششهای مذبوحانه را نخواهند خورد .
زندانی کردن زحمتکشان خاک سفید اعم از زن و مرد و کودک ، جهت تهیه تعهد که اقدام به تهیه ساختمان نکرده و یا خودشان ساختمان خودشان را خراب کنند توطئه شوم و سبعانه دیگر این رژیم است . و زمانیکه رژیم علی‌رغم تمامی این توطئه ها موفق نمیشود که جلوی مردم ستمدیده خاک سفید را در تهیه مسکن مورد نیاز خود بگیرد اینبار با زحم تلاش در تکرار حملات وحشیانه و مغول وار خود جهت تخریب منازل را از سر بگیرد بعنوان مثال : یک روز صبح مردم اطلاع یافته بودند که رژیم قصد دارد روز ۲۲ بهمن بار دیگر تخریب منازل بپردازد . اما این بار مردم قهرمان ساده مقابله بودند بدین دلیل اهالی با تکیه بر

راه سوسیالیسم

(۲)

ارگان تئوریک سیاسی

گروه کمونیستی نبرد

منتشر شد

دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۵۹

پنجم ربيع الاول ۱۴۰۱ - شماره ۱۱۱۸۸

کیهان



مادی از ساختمانهای فاقد مجوز
قانونی تخریب شد



مشکل و یکپارچه در مقابل رژیم سرمایه داران مبارزه و مقاومت نمایند .

رژیم یکبار و بنا بر ماهیت استثمارگرانه خود به خاک سفید حمله کرد و هرگز گمان نمی کرد که مردم زحمتکش منطقه به چنین دستاوردهائی برسند. خانه های اهالی منطقه خراب شد ولی بجای آن درس اتحاد، درس مبارزه و مقاومت گرفتند و هم امروز با اتکاء به چنین درسهای است که بناهای خود را از نو میسازند. به امید روزی که بنای ایران نو ایران دمکراتیک و مستقل، بدست کارگران و کلیه زحمتکشان ایران ساخته شود!

مقداری پول بهر یک از کمیته چیها پاداش خوش خدمتی آنها را داده و گفت "خیلی معذرت میخواهم که مزاحم - تان شدم این مبلغ را رشوه حساب نکنید این پول مال خودتان است و ... " و کمیته چیها بهنگام خدا حافظی گفتند "اگر باز هم پیشامدی شد ما را خبر کنید" سر - مایه داران پاسداران منافع خود را خبر کنند تا درقبال دریافت حق مزدوریشان توده های زحمتکش را سرکوب کنند جنایت کنند، شاعت کنند و ...

روز سه شنبه باز هم بساطیها در محل جمع شدند و خواستار بکسره شدن کارشان شدند و طبق معمول با جواب سربالای بنگاه، باز هم کمیته چیها به دعوت مسئول بنگاه برای سرکوب به محل آمدند ولی اینبار بساطیهای خشمگین بدانها حمله برده و یکی از پاسداران را که روز قبل هم به آنجا آمده بود آنقدر کتک زدند که روانه بیمارستان شد. علیرغم این هنوز هم بساطیها بحق خود نرسیده اند و قرار بر این است که ۲۸ بهمن بار دیگر در محل مجتمع شوند. لازم است که بگوئیم که تعداد بساطیها ۱۰۰ نفر و تعداد مشمع ۱۰۰۰۰ طاقه میباشد.

و در حالیکه سرمایه داران دهها طاقه راتماحسب میکنند، بساطیها برای دریافت حتی یک طاقه میا - بست طعم سرکوب رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را بجشد ولی ظلم و ستم سرمایه داران تا کی؟

حاجیهای بازار را گردن کلفت تر میکنند، زحمتکشان بازار را سرکوب میکنند!

روز دوشنبه ۲۷ بهمن عده ای از بساطیهای زحمت - کش مشمع فروش در خیابان ۱۵ خرداد (بودرجمهری) جلوی بنگاه نایلون فروشی درخشانی تجمع کرده بودند و صفی نسبتاً طولانی برای تهیه مشمع تشکیل داده بودند. بساطیها چهار روز بود که جهت دریافت یک طاقه مشمع به محل مراجعه کرده و انتظار میکشیدند. بالاخره ساعت ۱۰ یکی از مسئولین بنگاه به میان مردم آمده و اظهار داشت که "امروز اسم شما را مینویسم و روز چهارشنبه ۲۹ بهمن بهر کدام یک طاقه مشمع خواهیم داد". عده - ای از بساطیها معترض این امر شده و گفتند که "ما از اینجا نمیرویم مگر آنکه مشمع را بگیریم. چهار روز است که علاف یک طاقه مشمع هستیم و ... " مسئول بنگاه گفت که این حرفها سرم نمیشود اینرا باید از مسئول بالا پرسید "بعد هم پیراز نوشتن اسم افراد زبیت ولی بساطیها محل را ترک نکرده و همانجا ماندند. در همین موقع عده ای چند از بازاریها برای دریافت مشمع مراجعه کرده و هر یک ۶ طاقه مشمع را تحویل گرفتند. بساطیها بعد از چهار روز معطلی حق دریافت یک طاقه هم نداشتند در حالیکه تجار از دزدو غارتگر بازار ۶ طاقه دریافت میداشتند این امر فریاد اعتراض بساطیها را بلند کرد که "چرا به آنها ۶ طاقه میدهد و ما هیچ نمیدهد" و بعد هم مانع خارج کردن مشمع بتوسط بازاریان از بنگاه شدند. در این هنگام مسئول بنگاه (مشیری) به کلانتری ۹ مراجعه کرده و تقاضای کمک از دولت جا - می سرمایه داران (یعنی خودشان) نمود. چندی نگذشت که ۵ کمیته چی مسلح بدانجا رفتند و با تهدید و ار - عاب و کتک بساطیها، بازاریان را حمایت کرده و طاقه - هایشان را از بنگاه بیرون آوردند ولی باز هم بساطی - های زحمتکش ریختند که با ممانعت کمیته چیها روبرو شدند. ساعت ۱۲/۵ کمیته چیها که وظیفه ننگین پاسداری از سرمایه را در بنگاه تمام کرده بودند، قصد عزیمت داشتند. مسئول بنگاه (مشیری) با دادن

کمکهای مالی

تهران

۶ - ب	۱۰۰۰ ریال
۴ - د	۱۰۰۰ ریال
۱۲ - ت	۲۰۰۰ ریال
ف - معلم	۲۰۰۰۰ ریال
۴ - م	۲۰۰۰ ریال
علی	۶۰۰ ریال
ش - ۲۵	۱۰۰۰۰ ریال
۴ - ۲۵	۸۰۰۰ ریال
۴ - ۱۷	۱۰۰۰ ریال
د - ۱۸ دانش آموز	۱۰۰۰ ریال
ت - ۱۲	۸۰۰۰ ریال
ه - ۲۵	۵۰۰۰ ریال
۴ - ۱۷	۱۰۰۰۰ ریال
ف - ۱	۵۰۰۰ ریال
ف - ۱	۶۰۰۰ ریال
الف ۵۵	۲۰۰۰ ریال

(رفیق کارگر)

رفقای "فریاد زحمتکشان جنوب" ۲۵۰۰۰ ریال

اصفهان

ع -	۱۰۰۰۰ ریال
ع - ه	۲۰۰۰۰ ریال
ت - م ۲۷	۱۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۲۲

هنگام پاسداران سرمایه ، به مردم حمله کرده و تعداد بسیاری را دستگیر مینمایند و بقول روزنامه انقلاب اسلامی ۳ نفر هر یک به ۴۰ ضربه شلاق و یک سال حبس تعزیری و دو سال حبس تعلیقی ، یک نفر به ۶ ماه حبس تادیبی و یک نفر به ۴۰ ضربه شلاق و یک سال حبس تعزیری و انفصال دائم از خدمت در ادارات دولتی محکوم شدند و بقول اهالی ۱۱۰ نفر دیگر نیز تحت تعقیبند ! اینهم مجازات مردمی که رهبران حزب جمهوری را مورد کسم لطفی خود قرار دهند ! جالب است که این رژیم ادعا میکند از دستگیری تنی چند چاقو و قمه کش عاجز است چرا که اینها از مزدوران خود حزب هستند .

در آلمان غربی در سخنرانی آقای باهنر در فرانکفورت نیز دانشجویان مترقی خواستار وقت سخنرانی میشوند . اتحادیه دانشجویان اسلامی در اروپا (شعبه خارجی حزب جمهوری) با اینکار مخالفت میورزد و میگوید فقط " مکتبیون " حق صحبت دارند . دانشجویان میگویند اینجا دیگر نمیتوانید مردم را فریب دهید ما هم ایرانی هستیم و میخواهیم نظراتمان را بگوییم و نتیجتاً کار به زدو خورد و تعطیل سخنرانی میکشد . در هامبورگ نیز همین وضع پیش آمده ، کلیه درها و شیشه های محل سخنرانی خرد میشود و سخنرانی تعطیل میشود در برلین نیز دانشجویان مترقی ایرانی با همراهی دانشجویان مترقی آلمانی درس خوبی به دارو دستها باهنر که قصد شناسایی و تبلیغ " انقلاب " اسلامیشان که جز بدبختی نتیجه دیگری برای مردم زحمتکش ما نداشته است میدهند . در فرانسه و ایتالیا و فیلیپین نیز برنامه سخنرانی و شناسایی " انقلاب " توسط دانش

جویان مترقی ایرانی و خارجی بهم خورده است و ... مردم ما بخاطر دارند که روز سخنرانیهای شاه خائن نیز دانشجویان مترقی ایرانی همواره با تخم مرغ گندیده از او استقبال میکردند ! در حال حاضر اعتراض به سخنرانیهای سردمداران حزبی و دولتی در شکل تحریم این سخنرانیها ، و انعکاس مستقیم در سخنرانیها که نمونه هایی از آن نقل شد به یک روند عمومی تبدیل شده است و این هنوز آغاز بحرانی است که رژیم جمهوری اسلامی را تا قعر خود و تانابودی کامل خواهد کشید !

بقیه از صفحه ۲۲

سیاسی ، رژیم بیشترین فشار اقتصادی خود را نیز برزور بر پیکر کارگران وارد مینمایند . آنها قانون پر - داخت پاداش و عیدی کارگران را چنان رذیلانه و چنان جنایتکارانه تنظیم نمودند که واقعا مبین استثمار دوران بردهگی در عصر سرمایه داری است . رجوع کنیم به مقاله ای که در همین رابطه در همین شماره نبرد آمده است - آنان به بهانه جنگ ضمن تهدید و ارباب به کارگر - ان میگویند :

" ما اگر در پرداخت مقدار پاداش آخر سال دستمان بسته است و آنچه که باید و شاید نتوانیم به برادران کارگر برسیم . بطور قطع می دانند که آن پول را صرف تبار کشور و دفاع از میهن و اسلام عزیز بکار میبریم "

(جمهوری اسلامی ۵ اسفند)

جمهوری اسلامی در عین حال که هنوز خود را حامی کارگران میدانند ، شدیدترین سرکوب سیاسی را بر علیه آنان اعمال مینماید و از طرف دیگر از هیچگونه فشار اقتصادی بر علیه آنان فروگذار نمینماید . افزایش مالیات ، گرانی ، تورم ، انتشار اسکناس بدون پشتوانه ، کم کردن حقوق کارگران ، باز خرید آنان با زیر پا گذاشتن همان مقررات کارگری خودشان و اکنون عدم پرداخت عیدی و پاداش کارگران که در واقع قسمتی از ارزش اضافی تولید شده خودشان است .

همه بخوبی آگاهند که کارگران زحمتکش ما به قدری تحت فشار شرایط زندگی قرار دارند که همواره هفتشان در گرو هشتشان است . آنها بدلیل فشار زندگی بطور قطع چاله هایی را از قبل به پشتوانه پول هاییکه بعنوان عیدی و پاداش میگیرند ، کنده اند . اکنون جمهوری اسلامی با کمال بیشرمی میگوید که به دلیل شرایط جنگی قادر به پرداخت این حق مسلم کارگران نیست و یا مثل سالهای قبل نمیتواند پرداخت کند .

کارگران از جمهوری اسلامی سؤال میکنند : چگونه دولت قادر است ۲۰۰ میلیون تومان هزینه صرف خرید جنگ افزار کند ولی از پرداخت عیدی و پاداش ما عاجز است ؟

چگونه جمهوری اسلامی قادر است ماهانه دهها میلیون تومان صرف هزینه های نظامی کند ولی از پرداخت حقوق ما عاجز است .

چگونه جمهوری اسلامی قادر است بگفته خودشان ماهانه هزینه ای بالغ بر ۵۶ میلیون تومان فقط صرف ژاندارمری در کردستان جهت قتل عام مردم بی دفاع کند ولی از پرداخت حقوق ما عاجز است . چگونه جمهوری اسلامی قادر است برابر بخشنامه خودش ۱۵ میلیون تومان پور و سرمایه همین مردم بد بخت را صرف " دکوراسیون " قصر آقای بنی صدر کند ولی از پرداخت پاداش و عیدی ما عاجز است .

چگونه جمهوری اسلامی قادر است ۲۵ میلیون تومان سرمایه این مردم فقر زده را در اختیار منتظری برای هزینه مروجین مذهبی قرار دهد که کاری جز تحمیق مردم و اشاعه فرهنگ منحط و ارتجاعی نمینمایند ولی از پرداخت عیدی و پاداش ما عاجز است .

و

کارگران و زحمتکشان ! تمامی برخوردها و سیاستهای این جمهوری از فردای قیام در برخورد به همه طبقات زحمتکشان نشان داده است که آنان جز دشمنان قسم خورده شما هستند . بنابراین شما حقوق کوچک و بزرگ اقتصادی و سیاسی خود را فقط و فقط با تکیه نیروی لا - یزال خودتان میتوانید بدست آورید ●

★ ترور جنایتکارانه یک کمونیست در زندان جمهوری اسلامی

رفیق کارگر جهانگیر قلعه‌ای عضو سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) را دژخیمان جمهوری اسلامی پس از دستگیری در تظاهرات ۱۷ بهمن و شکنجه‌های قرون وسطائی آن دلاور سرانجام بطور فجیعی در زندان بضرر گلوله پاسداران سرمایه به شهادت رساندند. این اولین و آخرین یاری نیست که رژیم جمهوری اسلامی دست به چنین اعمال جنایتکارانه و هولناکی میزند، اینگونه وحشیگریها جزئی از برنامه روزمره کلیه رژیمهای ضد خلقی و فاشیستی است. سکوت در مقابل اینگونه جنایات خیانت بخلقهای قهرمان میهنمان است و این عمل ننگین رژیم هشاری است به کلیه نیروهای انقلابی و مترقی که پرده از روی اینگونه جنایات برداشته و چهره کریه حکومت را هر چه بیشتر رسوا کنند.

کارگران و زحمتکشان جامعه ما باید در مقابل این هیات حاکمه و این اعمالش بشدت ایستادگی کرده و نگذارند که فرزندان انقلابیشان اینگونه طعمه دژخیمان جمهوری اسلامی شوند. باید با مبارزه بی امان انتقام خون شهیدان را از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گرفت. ییادش گرامی و جاودان باد!

★ اعدام رفیق محمود صمدی بجرم وفاداری به آرمان طبقه کارگر

دستان کثیف رژیم منفور جمهوری اسلامی باردیگر در سحرگاه روز ۱۳ بهمن بخون یک کمونیست انقلابی آلوده گشت. رفیق محمود صمدی عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگریکی دیگر از وفاداران به طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه در راه آگاه ساختن کارگران و زحمتکشان جامعه مان جان باخت، اما چه باک! از خون سرخ او هزاران لاله سربرمی آورند و هریک صدها کمونیست به جامعه عرضه میکنند. خونهای سرخی که امروز کمونیستهای پاکباخته بوسیله جلادان رژیم جمهوری اسلامی بر زمین میریزد، نهال انقلاب و سوسیالیسم را آبیاری می کنند و این نهال با چنین خونهاییی است که رشد خواهد کرد و بیار خواهد نشست.

سردمداران ارتجاعی جمهوری اسلامی همانند شاه و دارودسته فاشیستاش نمیدانند که هرکمو نیستی که بخاک می افتد هزاران نفر بجایش می آیند و راه سرخ را ادامه میدهند و بالاخره خون آنان دامن این رژیم های جنایتکار و ضد خلقی راها خواهد ساخت.

یاد رفیق محمود گرامی باد و راهش یعنی راه انقلاب سرخ هموار باد!

★ شهادت رفیق محمد طهماسبی زاده بدست جمهوری اسلامی

در روز ۲۲ بهمن ماه ۵۹ ایادی حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی با حمله وحشیانه ب تظاهرات نیروهای کمونیست در شهر آمل و با پرتاب سه راهی بمیان تظاهرکنندگان قلب مالامل از عشق به کارگران و زحمتکشان رفیق محمد طهماسبی زاده عضو سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار را از حرکت باز داشتند.

اینگونه جنایات و کشتارها بمثابة جزء لاینفکی از حکومت تروریستی جمهوری اسلامی شده و این حافظین و سردمداران سیستم سرمایه دارای وابسته ایران نیز همچون رژیم شاه برای حفظ خود در قدرت دست بهمان جنایات در بعمدی وسیعتر زده است.

کارگران و توده های زحمتکش ایران باید با برافراشتن پرچم مبارزه برای سرنگونی این حکومت آجازه ندهند تا جامعه مان دوباره عرصه تاخت و تاز مستبدین و ایادی امپریالیستها گشته و گوستانی خموش و تاریک باشد.

خون این رفیق شهید و کلیه شهدای جنبش انقلابی دررگها میجوشد و ما را بمبارزه ای تا پای جان علیه رژیم دعوت میکند.

ییادش گرامی باد!

در آستانه سال جدید؛ کارگران آماج حملات بیرحمانه جمهوری اسلامی

سردمداران حکومتی هر کدام با کارد سلاخی زهر - آکین خود بجان طبقه کارگر افتاده اند! رشد بحران های اجتماعی و ناتوانی هیئت حاکمه در مهار آن بیش از پیش ماهیت ضدکارگری دولت مردان را آشکار نموده است.

"حمایت از مستضعف" که روز و روزگاری! ورد زبان دولت مردان بوده چنان بی اعتبار شده که حتی رهبران جمهوری اسلامی از بزبان آوردن آن خجالت می کشند. کسانی که این همه سنگ کارگر و دهقان را بسینه میزدند خود مجبور شدند پرده ها را بکناری زده و ما - هیئت واقعی خود را عربان سازند. آقای بنی صدر مدت های مدید بود که کارگران را برعایت نظم پررژوازی و تولید بیشتر دعوت کرده و هر گونه کم کاری را معادل خیانت بحساب می آورد.

خمینی میگوید: دعوت با اعتصاب و کم کاری خیانت

بجمهوری اسلامی است. و رجائی میگوید: زمان، زمان، جنگ است. زمان، زمان، "تولید است" و "تولید را افزایش دهیم" او بکارگران آگاه میگوید "باید به خود بیایند و هر چه زودتر شرایط زمان را درک کنند زیرا مردم تحمل اینگونه حرکات ناروا را نخواهند کرد" هنوز ظنن تهدید فاشیستی بنی صدر، خمینی رجائی در کوش کارگران زمزمه میکرد که رفته رفته ندادند:

"از هر کسی هرچی باشد حتی عنوان کارگر بخود - شان گرفته باشند که ترحم جلب کنند، اینها قابل ترحم نیستند و باید بحدت تنبیه شوند"

کارزار تبلیغاتی شدیداً ضدکارگری رژیم در این روزها بر علیه رانندگان اعتصابی شرکت واحد و تمامی کارگر - ان آگاه همه و همه مبین سیاست واحد ضدکارگری و کینه طبقاتی شدید رژیم است. اما چرا همه سردمداران رژیم اینگونه بیرحمانه حملات یکپارچه خود را بر علیه کارگران آغاز نهاده اند؟

پاسخ آنرا باید در روند نپیداری و رشد آگاهسی کارگران و شروع حرکت های اعتراضی و پشت بازدن به پایه های استقرار و اقتدار جمهوری اسلامی یعنی موهومات مذهبی خود جستجو کرد. رژیم جمهوری اسلامی نمیتوانست برای مدت مدیدی دشمنی خود را نسبت به کارگران مستور دارد. بهمین جهت در مقابل کوچکترین حرکت اعتراضی کارگران از همه طرف آمادگی خود را برای سر - کوب بیرحمانه آنان اعلام داشت. صرف نظر از جنبه های

بقیه در صفحه ۲۰

"پذیرایی گرم" توده ها از سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی!

سردمداران حزب فراگیر و منافور جمهوری اسلامی در هفته های اخیر بقصد تبلیغ و کسب محبوبیت مجدد برای خود در میان توده ها، به بسیاری از شهرها رفته اند و حتی فراتر از این پای را به آن طرف مرزها رسانده - ند البته بزنامه مسافرت های به کشورهای امپریالیستی اساساً بدلیل بستن قراردادهای اسارت بار، برقراری روابط حسنه با امپریالیستها و متحدینشان و ... است ولی در کنار این خواست، تبلیغ خود را نیز داشته اند اما هر جا که قدم گذارده اند "استقبال" گرم و بسیار شکوه توده ها از آقایان نشان داده است که تا چه حد در میان مردم ما محبوب اند!

مردم ما کم کم نتایج قیام را جمع بندی نموده - اند و حاصل این جمع بندی فروریختن توهماتشان نسبت به حداقل یک جناح از رژیم جمهوری اسلامی است تا بدانجایی که در مسافرت های متعدد رهبران حزبی

به شهرها و ممالک گوناگون در استقبال خود درسی به آنها داده اند تا دیگر هوس مسافرت و تبلیغ را از سر بدر کنند. مسافرت آقای بهشتی به شهرهای ورامین قم، نیشابور، مشهد و ... تنها موجب تظاهرات وسیع بر علیه شان شده است تا بدانجایی که سخنرانی های ایشان را بهم زده و قراریشان داده اند. آقایان رفتنشان نیز پس از بازدید از الجزایر، سوریه و لیبی و لبنان به شهرهای همدان و تبریز و تهران در همدان هنگامیکه با مینی بوس در شهر در حرکت بود مردم آنقدر بطرف وی تظاهرات میکنند که راننده برای عبور مجبور میشود از برف پاک کن استفاده کند در تبریز کان بهنگام سخنرانی با تخم مرغ گندیده و گوجه فرنگی و انواع و اقسام فحش های رکیک به بهشتی و خامنه ای و ... به استقبال او میروند. در اهواز

بقیه در صفحه ۲۰

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

بزهبری طبقه کارگر